کمیتهٔ همبستگی با مبارزات مردم ایران

پویش

نشریهٔ سیاسی-خبری شماره ۸

هانوفر

تیـــر ماه ۶۹

بهاء ۱/۵ مارک

زمین لرزه در استانهای گیلان و زنجان صدها هزار کشته و مجروح به جای گذاشت.

موج موج خزر از سوگ سیه پوشانند

بیشه دلگیر و گیاهان همه خاموشانند

زمین لرزه‌ای خانمان برانداز و هولناک قسمت اعظم استان گیلان و زنجـــان را به ویرانه بدل کرد. زمان وقوع این زلزلـه از سوی پایگاه زلزله‌نگاری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران ساعت ۳۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه بامداد روز پنجشنبه ۳۱ خرداد ۶۹ و شدت آن ۷/۳ ریشتر و کانون و مرکز آن دیلمان در استان گیلان ۲۰۰ کیلومتری شمالغربی تهران و ۴۰۰ کیلومتری جنوب شرقـی تبریز اعلام شده اسـت.

این زمین لرزه که با خود خیل بیشماری از انسانها را به کـام مرگ و نیستی فرو برد، در برخی از مناطق زلزله زده، طی قـرن اخیر، و بنا به اظهار کارشناسان بین‌المللی در ۱۴ سال گذشته در جهان بی‌سابقه بوده‌است. آمار دقیقی از شمار واقعی کشته‌شدگان را نمی‌توان بدست داد، بخصوص اینکه مقامات دولتـی با طفره رفتن از ارائه آمار واقعی قربانیان، کوشش دارند ابعـاد فاجعه را کمتر از آنچه که هست جلوه دهند.

اما با توجه به گستردگی مناطق زلزله زده، تراکم جمعیت در ایـن مناطق، وسعت خرابی ها و بی‌بنیادی ساختمانها و امکان مسکونی تعداد کشته شدگان را می‌توان بیش از صد هزار تن تخمین زد. خود بلند گوی رسمی رژیم (البته با ضد و نقیض‌گویی) یکبـــار تعداد کشته‌شدگان را ۴ روز پس از این حادثه ۷۵ هزار تـــن، مجروحین و مصدومین را ۱۵۰ هزار تن و رقم بی خانمانان را بیش از نیم میلیون نفر اعلام کرد.

اما با نظری به گزارشاتی که حتی توسط مطبوعات دولتی منتشـر شده است، می‌توان حدس زد که تعداد قربانیان بسیار بیشتر از تعدادی است که رژیم اعلام نموده‌است.

چنانچه بنا به گزارش کیهان (روزنامه دولتی)، " تا عصر روز شنبه (یعنی ۲ــ ۳ روز بعد از حادثه) تعداد آمار کشته‌ها و زخمی‌ـ

۲

نقش رژیم شاه در پدیداری " دانشجویان پیرو خط امام "
۶

نظرات رهبر اتحادیه فلز افریقای جنوبی در باره تحولات این کشور
۱۴

گوشه هایی از شرایط کار یك کارگر پست در آلمان غربی
۱۳

اخراج مخالفین خط حاکم در اتحادیه های کارگری در آلمان
۲۶

گزارشی از وضعیت مهاجرین در آلمان شرقی
۱۰

گزارشی از وضعیت اردوگاههای پناهندگان کرد عراقی در ترکیه
۱۶

کشف اجساد ۱۵ تن از تیرباران شدگان اخیر دراطراف خاوران
۲۳

اختلافات درونی جمهوری خواهان و برکناری " شون هوبر "
۱۸

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران همدردی خود را با قربانیان زلزله و مراتب تأثر عمیق خویش را نسبت به این رویداد دردناك و جان خراش بیان می دارد.

گزارش تکان دهنده ای از سرکوب کودکان فلسطینی در اسرائیل
۲۴

اعتصاب غذای شش ماهه ۴۰ زندانی سیاسی در اسپانیا
۲۶

تشدید جو نژاد پرستانه در سوئد
۱۸

تجهیز قلعه ها (پیرامون یکی از سیاستهای دولتهای اروپائی)
۱۹

مصاحبه با کمیته ضد نژاد برستی
۲۱

وضعیت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی
۷

در این شماره

اخبار ایران، پناهندگان و جهان
۲۲

مـــرگ بر رژیـــم جمهـــوری اســـلامی ـ زنـــده بـــاد انقـــلاب

www.iran-archive.com

زمین لرزه در استانهای گیلان و زنجان ...

های حادثه شهرستان رودبار (یعنی تنها در یک شهر) ۸۰ هزار نفر اعلام شده است. " و در " منجیل حتی یک خانه و ساختمان اداری سالم باقی نمانده است، و از جمعیت ۲۲ هزار نفری این شهر همه جان خود را از دست داده‌اند و تنها حدود ۲ هزار نفر، آنهم مجروح باقی مانده‌اند. "

اگر بر این جمعیت ۱۰۰ هزار نفری و کثیر، جمعیت شهرستانهای لوشان که مناطق آن به میزان ۱۰۰ درصد، امام زاده هاشم ۷۰ درصد، دیلمان و لاهیجان ۳۰ درصد، اشکورات ۳۰ درصد، تخریب شده‌اند و هم چنین کسانی که جان خود را در شهرهای دیگر زلزله زده ، مثل رشت، زنجان و توابع آن، آستانه اشرفیه، صومعه سرا، رودسر، فومن، لنگرود و چندین شهر و صدها روستا، بخش و دهستان دیگر را اضافه کنیم به عمق فاجعه و مقدار وسیع قربانیان شاید تا حدودی پی ببریم.

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران، مراتب همدردی و تاثرات عمیق خود را نسبت به این رویداد دردناک و جان خراش بیان می‌دارد و از همه انسانهای شریف دعوت می‌کند تا در جهت کمک و مساعدت به قربانیان فاجعه از هر لحاظی گام بردارند.

* * * * *

از لابلای روزنامه کیهان دولتی (روزهای ۲ و ۳ تیرماه) می‌توان گزارشات تکان دهنده‌ای درباره این زمین لرزه استخراج نمود که در زیر به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

ـ کیهان ۲ تیرماه ـ لحظه به لحظه بر تعداد کشته ها و مجروحان فاجعه زلزله به علت کمبود امکانات درمانی افزوده می‌شود کمبود دارو، پزشک، کادر درمانی و محلی جهت اسکان مجروحان به منصور مداوای آنها موضوعاتی است که به وضوح به چشم می‌خورند. و این در حالی است که هنوز چند روز بعد از زلزله، کارهای تدارکاتی جهت برپایی یک بیمارستان صحرایی در شهرستان رودبار به انجام نرسیده است.

در عصری که دانش و تکنیک به بشر اجازه داده است که به کهکشانها دست اندازی کند، بر روی زمین تنها بواسطه یک زلزله جان ده ها هزار و صدها هزار انسان بلعیده می‌شود.

براستی اینان قربانیان چیستند، قربانیان زلزله‌اند؟ نه اینان در ظاهر قربانیان قهر طبیعتند. چرا که نیروهای طبیعت دهها سال است که خود را به بشر تسلیم کرده‌اند. اینان قربانیان حوادث خوف انگیز شب پیمان، ظلمت دوست حاکمند. اینان قربانیان نظامی هستند که جهل و بربریت را سازمان میدهد، فقر و بدبختی را سازمان میدهد، جنگ و خانه خرابی را سازمان میدهد. قتل و کشتار را، فحشاء و اعتیاد را، نفرت و جنون را و بالاخره بی امکاناتی و بیدفاعی مردم را در مقابل قهر طبیعت سازمان میدهد. اینان در راستهای قرن بیستم، قربانیان هیولای بی‌عاطفه سرمایه‌اند.

ـ ۲ تیر ماه ـ " آمارهای رسمی و غیر رسمی حکایت از آن دارد که هنوز (تا جمعه اول تیر ماه) بسیاری از نقاط روستائی هیچ کمکی دریافت نداشته و این در شرایطی است که صدها نفر زیر آوار و خروارها خاک مدفون شده‌اند و نیز اجساد کشته شدگان روی زمین " رها شده‌اند .

ـ " گزارشی از اطراف روستاهای کوهستانی "تو نکابن" در حومه رود بار حاکی است که در مقابل یک زنده چهار کشته دیده می‌شود و روستائیان پس از شستشوی اجساد بستگانشان در رود خانه امکانات حمل آنان و یا دفنشان را ندارند . "

ـ " کارخانه کفش گنجه (رود بار) با مجتمعهای مسکونی کارگران آن به تل خاک مبدل شده است. "

ـ بعد از گذشت ٤ روز از این حادثه دلخراش بنا به اعتراف کیهان دولتی به دلیل وسعت و پراکندگی روستاها هنوز در تعدادی از روستاهای منطقه کار امداد صورت نگرفته است.

ـ رژیم نه تنها تا ۳ روز بعد از این حادثه جانگداز کارکند و کاو و تجسس زیر آوارها را به منظور نجات جان کسانی که زنده در زیر آوارها مانده‌اند ،انجام نداده ،بلکه بنا به اعتراف کیهان بعد از گذشت ۳ روز اجساد بسیاری از قربانیان حادثه در گوشه و کنار شهرهای منجیل ، لوشان و رود بار دیده می‌شود . و این امر سبب گردیده تا بوی تعفن شدیدی منطقه را فرا بگیرد و زمینه برای شیوع انواع بیماریها و به خطر افتادن جان مصدومین ، مجروحین و بازماندگان کاملا آماده شود .

ـ بنا به اعتراف کیهان ، "... بدلیل ناهماهنگیهای موجود فعالیت درخور توجهی (از صرف اکیپهای اعزامی) مشاهده نمی‌شود و مردم با چهره های ماتم زده همچنان اوقات شب و روز را در زیر آسمان و با کمبود امکانات اولیه سپری می‌کنند . "

ـ ٤٠ ساعت بعد از زلزله ، تازه بوسیله یکی از اهالی کتبه (از توابع رود بار) که جان سالم از این فاجعه به در برده بود ، خبر زلزله در این روستا به گوش مقامات می‌رسد . خبرنگار کیهان می‌نویسد . " روز بعد (شنبه ۲ تیر ماه) سرانجام خلبانان هوانیروز... موفق شدند اولین نیروهای امدادی... را به آنجا برسانند ولی چه سود که به دلیل گذشت مدت‌ها از وقوع زلزله تلاش برای نجات مصدومین اثری نداشت. "

" روستای کتبه کاملا خاموش و مرگ زده است. اینجا همه چیز مرده است. از گوسفندان و دام های روستائیان گرفته تا مرغ و خروس های محلی همه در کنار هم به خواب ابدی فرو رفته‌اند . تنها چیزی که می‌توانستیم زنده ببینیم بجز تعداد انگشت شماری انسان ، چند مرغ و خروس بود ... روستائیان بازمانده این حادثه دلخراش تشنه و گرسنه ،پژمرده و خسته از تلاش بی‌اثر خود برای

" یک دفعه طوفان شد ، یکدفعه بچه‌ها زیر آوار ماندند . آوار ریخت ، همه چیز سیاه شد . با دستهای خودم بچه هایم را بیرون آوردم. ای عزیز مادر ، مامان می‌گفتی که توپ بادی می‌خوام اما من پول نداشتم برات بخرم . آخه پدرت یک کارگر بود . "

سخنان جگر خراش بالا توسط مادری دردمند به زبان آمده‌اند . و این حال و روز غالب قربانیان فاجعه است . کسانی که بدون کمک و با چنگ و ناخن پیکر نیمه جان و یا بیجان عزیزان خود را از دل سنگ ،آوار و خاک بیرون کشیدند . کسانی که توانایی تهیه یک " توپ بادی " را برای عزیزان خود نداشتند و در غم آن می‌سوختند . اما اینک! اینک باید نه تنها در غم فقر که در غم جان عزیزشان نیز بسوزند .

در منجیل حتی یك خانه و ساختمان اداری سالم باقی نمانده است. از جمعیت ۲۲ هزار نفری این شهر همه جان خود را از دست داده‌اند. تنها از این جمعیت حدود ۲ هزار نفر مصدوم و مجروح باقی مانده‌اند.

فریاد اگرچه بسته مرا راه بر گلو
دارم تلاش تا نکشم از جگر خروش
اسپند وار اگرچه بر آتش نشسته‌ام
خندان نشسته‌ام

خارج کردن اجساد از زیر خاک مایوسانه در گوشه‌ای بدون داشتن کوچکترین سرپناهی دراز کشیده‌اند ... آنقدر خسته و مایوس هستند که توان حرف زدن ندارند و تنها یک نفر از آنها با این جمله‌که ما نشسته‌ایم تا گرگها اجساد عزیزانمان را نخورند به همه سؤالات ما پاسخ میدهد ."

ـ بنا به گزارش کیهان از شهرستان رشت، " بیشترین خسارات جانی در شهرستان رشت به علت ریزش دو آپارتمان مسکونی در منطقه لاکانی و حوالی شهرداری این شهرستان بوده است که بناهای آن توسط دو بساز و بفروش احداث شده بود ."

" هنوز (تا ۲ تیرماه) آمار تلفات مجتمع مسکونی خیابان لوکانی که توسط یک بساز و بفروش معروف در سال ۶۶ احداث شده است، مشخص نیست و ناآوار برداری ... همچنان ادامه دارد . و تا ظهر ۲ تیرماه حدود ۶۰ کشته از زیر آوارهای این مجتمع ... بیرون آورده شده بود ."

ـ نمونه‌ای از جلوگیری از همیاری مردم به زلزله زدگان توسط نیروهای انتظامی

بنا به خبر کیهان، " نیروهای نظامی و انتظامی مستقر در رشت... از ورود و خروج افراد متفرقه به‌داخل شهر جلوگیری می‌کنند ." این خبر نشان میدهد که رژیم از ورود عناصر داوطلب و مردمی به شهر رشت جلوگیری میکند تا تمامی امور را خود در کف داشته باشد و از امداد خودبخودی و توده‌ای جلوگیری کند .

کمبسته همبستگی با مبارزات مردم ایران همدردی خود را با قربانیان زلزله و مراتب تاثر عمیق خویش را نسبت به این رویداد دردناک و جان خراش بیان می دارد.

قلبها پر از اندوه است ، کودکان مرده‌اند ، جگرگوشه ها رفته اند ، پدر رفته است، ظلمت، خاک سرد را از عمـــاره مرگ می‌آکنـــد .

اما اگر رژیم جمهوری اسلامی در پخش خبر زلزله این چنین تا خیر نمیکرد . اگر این " خفاشر شب " دست مردم را برای یاری و کمک باز می‌گذاشت و از ورود نیروهای داوطلب مردمی برای کمک جلوگیری نمیکرد و با جانیان سرکوبگر خـــود جلوی کمکهای بی دریغ و مستقل مردم را نمی‌گرفت، شاید کودکان نمی‌مردند ، پدر زنده بود .

اما " خفاشر شب " نمی‌خورد از جای خود تکان تا که به تکانش همت نمی‌کنیم

نقش رژیم شاه در پدیداری " دانشجویان پیرو خط امام "

نمونه‌ای از تقویت گرایشات اسلامی توسط رژیم شاه

در کیهان لندن مورخ سوم خرداد نوشته‌ای تحت عنوان "سابقه دانشجویان پیرو خط امام برای آگاهی آقای لاهیجی" با امضای کاظم آرش‌پور منتشر گردیده است.

این نوشته کوتاه که در بخش اعظم آن به وضعیت سیاسی دانشگاه صنعتی تهران در سالهای ۵۰ اشاره شده، گواهی بر این واقعیت است که رژیم شاه نقش بسیار مهمی در تقویت گرایشات اسلامی در مقابل گرایشات چپ داشته است.

با هم نگاهی به برخی از قسمتهای این نوشته می‌اندازیم:

در آغاز نوشته به درستی اشاره می‌شود که دانشگاه صنعتی تهران " تقریباً از همان ابتدای تاسیس یکی از مؤسسات آموزشی متلاطم و یکی از قطب های جنبش دانشجویی و همواره مایه نگرانی مقامات امنیتی بود. بسیاری از افرادی که به جنبش‌های چریکی پیوستند و حتی به رده های رهبری گروههای چریکی رسیدند، از دانشجویان این دانشگاه بودند."

و در ادامه خاطرنشان می‌گردد که در اوایل دهه ۵۰ در فعالیت های سیاسی و فرهنگی و فکری دانشجویان این دانشگاه، همواره گرایش‌های چپ غالب بود و دانشجویان مذهبی در محافل و مباحثات دانشجویی جرأت عرض اندام و ابراز وجود نداشتند و همه فعالیت آنان در نمازخانه کوچکی که در طبقه سوم "ساختمان مجتهدی" داشتند، خلاصه می‌شد.

و سپس نویسنده چنین ادامه می‌دهد:

" اما غلبه گرایش "چپ" در این دانشگاه و " چریک پروری" محیط آن ظاهرا مقامات را به فکر چاره جویی انداخت. در سال ۱۳۵۴ دکتر محمد امین از ریاست ... دانشگاه صنعتی آریامهر کنار رفت و دکتر سید حسین نصر اسلام شناس معروف... جانشین او گردید. دکتر نصر در عین حال ریاست دفتر "شهبانو" را نیز بر عهده داشت. از زمانی که او به این منصب رسید، فعالیتها و تظاهرات مذهبی- زیارتی خانواده سلطنتی افزایش یافت... در سطح دانشگاه صنعتی نیز ایشان بیکار ننشستند... در آغاز کار افراد سرشناس "چپی" و یا لااقل غیر مذهبی از قبیل اسماعیل خوئی، احمد شاملو، ایران درودی، هرمز فرهت، داریوش صفوت و ... تدریس درس‌های این مرکز ("مرکز تعلیمات عمومی") را بر عهده داشتند. اما با آمدن دکتر نصر به دانشگاه، دو آخوند مکلا به نام های غلام علی حداد عادل و نصر الله پور جوادی به سرپرستی و معاونت مرکز تعلیمات عمومی گمارده شدند. این دو بتدریج افراد نامبرده در بالا را کنار زدند و چندین درس با عناوینی از قبیل " اسلام و اسلام شناسی"، " تاریخ فلسفه اسلامی"، "تاریخ تمدن اسلامی"، "جهان بینی اسلامی" و غیره را در فهرست درس‌های این مرکز گنجاندند (گذراندن ۶ واحد از درس‌های این مرکز برای همه دانشجویان اجباری بود) آنها حتی پای آخوند های معمم را نیز به کرسی های تدریس دانشگاه (صنعتی!!) گشودند." (عبارت درون (( )) از ماست.)

پس از اشاره به این تغییر و تحولات در کادر آموزشی "مرکز تعلیمات عمومی" و دانشگاه که آگاهانه و به منظور تقویت گرایشات اسلامی در مقابل و بر علیه گرایشات چپ صورت گرفت نویسنده متذکر می‌شود:

" نمازخانه دانشگاه فعال تر از هر زمان دیگری شده بود. دانشجویان مذهبی بال و پر گشودند ... فضای دانشگاه که قبلا همواره شاد و پر تحرک بود، گرفته‌تر و خموده‌تر و خشن‌تر می‌شد. دانشجویان مذهبی پیرامون نمازخانه و کلاس های درس حداد عادل و پورجوادی هسته‌های فعالیت سیاسی- مذهبی تشکیل دادند و با حمایت علنی و رسمی مقامات دانشگاه فعالیت هایشان را گسترده‌تر کردند. دکتر نصر ریاست اداره آموزش دانشگاه را نیز به دکتر عباس چمران (برادر مصطفی چمران معروف) سپرد... چند سال بعد، وقتی که نخستین بار از طریق رسانه‌ها با عنوان " دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" آشنا شدیم، شنیدیم که آنها به طور عده همان گروهی هستند که پای منبر حداد عادل و پورجوادی می‌رفتند. و بعد وقتی که عکس های جریان حمله به سفارتخانه آمریکا و گروگانگیری منتشر شد، دانشجویانی را در آن دیدیم که از قبل می‌شناختیم..." (تاکید از ماست.)

بدین ترتیب می‌بینیم که چگونه هراس و دشمنی رژیم شاه با گرایشات چپ منجر به این شد که مقامات این رژیم آگاهانه و گام به گام گرایشات اسلامی را در دانشگاه صنعتی تهران تقویت کنند، ریاست و کادر آموزشی آن را تغییر دهند، دروس مذهبی را به برنامه آموزشی اضافه نمایند، دست دانشجویان مذهبی و مسلمان را برای مقابله با دانشجویان چپ باز بگذارند و امکانات لازم را در اختیارشان قرار دهند و ...

این تنها یکی از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد چگونه رژیم شاه در دهه ۵۰ و در محیط دانشگاهها در جهت تقویت مذهب در مقابل گرایشات چپ گرا حرکت می‌نمود و چگونه این رژیم حاضر بود در مقابل گرایشات چپ به بند و بست با گرایشات اسلامی دست بزند.

و سرانجام این تنها یک مورد کوچک از موارد متعددی است که این واقعیت را تایید می‌کند که رژیم جمهوری اسلامی جانشین شایسته و خلف رژیم سلطنتی است. نه فقط به این دلیل که حاکمان جمهوری اسلامی بر بستر نارضایتی و تنفر مردم از رژیم سلطنتی به قدرت رسیدند بلکه همچنین از آن رو که جنایتکاران آریامهری در زمان حکومت خویش نقش مهمی در تقویت حاکمان خونخوار آینده داشتند و آشکارا آنان را در مقابل گرایشات چپ یاری می‌نمودند.

●

www.iran-archive.com

وضعیت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی

در یك ساله اخیر اعتراضات و اعتصابات متعددی در جنبش عمومی دمکراتیك و جنبش کارگری به چشم می‌خورد که در نشریات و رسانه‌های اپوزیسیون و بعضا در مطبوعات بین المللی درج گردیده است. اکثر اعتراضات و درگیریهای یك ساله و سه ماه بعد از مرگ خمینی مربوط می‌شود. درگیری خونین بین مردم زحمتکش جنوب تهران با نیروهای رژیم در میدان انبار غله و میدان مولوی در آبان ۶۸ و متعاقب آن حمله دانشجویان برای تسخیر حوابگاه در دانشکده پلی تکنیك در آذر همان سال، درگیری مردم تهران در بهمن سال گذشته به بهانه لغو مسابقات فوتبال در استادیوم امجدیه، تظاهرات در شهرهای اصفهان، تبریز، نجف آباد، ارومیه و درگیری مردم با نیروهای سرکوبگر در شهرهای کردستان و ایذه، نمونه‌هائی از اعتراضات مردم بر علیه رژیم ارتجاعی ج اسلامی می‌باشد.

در همین رابطه ما شاهد اعتصابات کارگری در یك سری از کارخانجات بزرگ و صنایع تولیدی از جمله اعتصاب در پالایشگاههای ایران، کشت و صنعت کارون، نورد اهواز، ماشین سازیهای اراك و تبریز و آخرین اعتصاب کارگران کفش ملی بودیم.

این اعتراضات و درگیریهای آشکار و نهان در شرایطی بوقوع می‌پیوندد که رژیم ج اسلامی رهبر با اقتدار خود را از دست داده است و دیگر کسی همچون او قادر نیست کشتی طوفان زده را به ساحل نجات برساند، اگر چند ساعت بعد از مرگ خمینی مجلس خبرگان برای مصلحت نظام با اکثریت آراء خامنه‌ای را به رهبری می‌گزیند و جناحین متشکل در مجلس خبرگان اختلافات را برای چند صباحی کنار می‌گذارند، و رهبران طراز اول رژیم دم از وحدت و یك پارچگی می‌زنند و مردم را به وحدت کلمه دعوت می‌نمایند و همزمان قدرت سیاسی را بی سروصدا و بدون جارو جنجالهای تبلیغاتی بین خود تقسیم می‌کنند و اگر هاشمی رفسنجانی این امید بورژوازی جهانی و سرمایه داران داخلی موفق گردید آرای ۱۶ میلیونی را از صندوقهای رای بیرون بیاورد و پست ریاست ج را قبضه کند، و وزرای کابینه‌اش توانستند با اکثریت آراء از مجلس شورای اسلامی رای اعتماد دریافت کنند (که در حیات ج اسلامی بی‌سابقه بود) و متعاقب آن از سلطت طالبان گرفته تا نهضت آزادی تا سوسیال دمکراتهای وطنیمان، انتخاب جدید را به فال نیك گرفتند و آن را گامی بسوی لیبرالیزه شدن جامعه ارزیابی کردند، اما دیری نپایید که سیمای ج اسلامی دستخوش تغییر و تحول گردید.

خامنه‌ای این "شاگرد امام و لسان اسلام" از جانب عده‌ای از سران حوزه بزیر سوال کشیده شد و در همین آنها مطرح شد که او هنوز جامع الشرایط برای امور حکومت اسلامی نیست، جنگ قدرت در میان بالایها دوباره شروع گردید، جارو جنجالهای تبلیغاتی و افشای یکدیگر از طریق روزنامه‌ها تا تریبون مجلس، افشای دزدیهای باند هادی غفاری در بنیاد الهادی از جانب روزنامه رسالت، و مشکوك دانستن و اعلام جرم علیه لاریجانی مشاور وزیر امور خارجه از جانب هادی غفاری از تریبون مجلس، و راهپیمائی دانشجویان حزب اللهی دانشگاه تهران به عنوان اعتراض به مقاله مذاکره مستقیم به قلم عطاءاله مهاجرانی مشاور رئیس ج در روزنامه اطلاعات و متعاقب آن جاروجنجالهای تبلیغاتی بین جناحهای مختلف در این رابطه، که با موضعگیری خامنه‌ای مسئله فیصله پیدا می‌کند همگی نشانه‌های وضعیت جدیدی است که رژیم اسلامی

www.iran-archive.com

وضعیت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی

در آن قدم گذاشته است. این دوران جدید با مرگ خمینی و بدست گرفتن پست ریاست جمهوری — هاشمی رفسنجانی آغاز گردید، هنگامیکه هاشمی رفسنجانی پست ریاست را قبضه نمود و وزراء کابینه‌اش توانستند رای اعتماد را از مجلس دریافت دارند، جناح تندروهای مذهبی در آن دوره در حالت تدافعی بسر میبردند، همین حالت تدافعی بود که ۱۳۵ تن از نمایندگان مجلس در رابطه با ابقاء محتشمی در پست وزارت کشور به رئیس‌ج نامه نوشتند و از او خواستند که محتشمی در آن پست باقی بماند ولی هاشمی رفسنجانی با انتخاب عبدالله نوری برای پست وزارت کشور عملا " مخالفت خود را با محتشمی اعلام نمود، در آن دوره رفسنجانی فکر میکرد که موفق خواهد شد که یک دولت مقتدر مرکزی که بتواند امنیت سرمایه را — تامین کند، بوجود آورد و او در این اندیشه بود که جناح مخالف را می‌توان به سادگی حذف کرد اما جناح تندروهای مذهبی خود را قبل از مرگ خمینی در مجمع روحانیون مبارز سازماندهی کرده بودند و اجازه فعالیت را از امام فقید شان دریافت داشتند.

گذشت زمان نشان داد که حذف جناح مقابل برای رفسنجانی ساده نیست زیرا یک سری از پستهای کلیدی هم در دست آنهاست. انتخابات میاندوره ای تهران و رفتن محتشمی کاندید جناح حزب الله به مجلس‌نشان داد که جناح مقابل در بین حزب الله طرفدارانی دارد. در همان زمان موسوی خوئینی ها در یک مصاحبه مطبوعاتی از جانب روحانیون مبارز اعلام داشت که "هیچکدام از جناحها نباید در — صدد حذف جناح دیگر باشند بین دو جناح توازن قوا برقرار است" وجود عناصری چون مهدی کروبی و محتشمی، در مجلس شورای اسلامی که با خود گرایشی را در مجلس دارند برنامه‌های دولت هاشمی را با موانع عدیده‌ای روبرو کرده است. حال ببینیم توده‌های مردم چه انتظاراتی از دولت جدید داشتند و یا می‌توان گفت که بخشی از مردم جامعه ما نسبت به دولت جدید متوهم بودند. مقاله حاضر تا آنجا که توان دارد سعی می‌کند دلایل این توهم را بازگو کند.

همگان بیاد داریم که بعد از حذف منتظری از قائم مقامی ولایت فقیه، رسانه‌های بین المللی به افکار عمومی مردم ایران و جهان چنین القاء می‌کردند که رفسنجانی مرد شماره ۲ حکومت ج اسلامی است. اینکه رفسنجانی در آن زمان از قدرت فوق العاده‌ای در بار گاه ولایت فقیه برخوردار بود هیچ شکی نیست، اما هدف رسانه‌های بین المللی سرمایه‌گذاری بود که یورژوازی جهانی روی رفسنجانی کرده بود و او را آلترناتیو مناسب خود می‌دانست، از طرف دیگر رفسنجانی قبل از پست ریاست ج به کمک خمینی موفق گردید در قانون اساسی تجدید نظر کنند و در اولین قدم پست نخست وزیر را حذف کردند و قدرت مافوق‌به رئیس ج اعطاء گردید. بحث استقراض‌برای باز سازی کشور از دولتهای خارجی در محافل حکومتی و پیش‌نویس برنامه‌پنجساله در وزارت برنامه و بودجه همگی محصول دوران قبل از ریاست ج رفسنجانی است. ما به عینه می‌بینیم که در آن زمان تبلیغات حکومتی در این راستا بود که دولت جدید موفق خواهد گردید که مناطق جنگی را به سرعت بازسازی کند و وضعیت قطعنامه ۵۹۸ را به نفع ایران حل کند از طرف دیگر چنین وانمود شد که دولت جدید می‌تواند گرانی و کمبود ارزاق عمومی را حل کند. این فاکتورها تنها بخشی از تبلیغات در مورد دولت جدید بود و همین مسائل باعث شده بود که بخشی از مردم نسبت به دولت جدید متوهم بودند اما گذشت زمان عکس آنرا ثابت کرد. گرانی، فقر و بی خانمانی از سابق بدتر

www.iran-archive.com

وضعیت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی

شده است طبق آمار بانك مرکزی تورم در سال ۶۸ — ۲۸ درصد بوده است. نقدینگی بخش خصوصی از سابق خیلی بیشتر شده مشکل ۲ میلیون آواره جنگی هنوز لاینحل مانده است، پس از ۲ سال از پذیرفتن قطعنامه هنوز مردم شهرهای جنگزده به خانه و کاشانه خود بازنگشتند، اگر در ابتدای شکل گیری دولت جدید، مسئله حجاب برای زنان نسبت به سابق تا اندازه‌ای سست تر شده بود ولی راهپیمائی زنان حزب‌الله به نام طلایه داران عفت در سراسر کشور نشان داد که وضعیت از سابق بدتر شده است و طرح جدید وزارت کشور در رابطه با بد حجابی و دستگیری روزانه آنها از طرف کمیته‌ها مبین این واقعیت است که در این عرصه هم وضع مثل سابق است. برنامه پنجساله هم با شکست مواجه گردیده است زیرا این برنامه احتیاج به پشتوانهٔ ارزی دارد که رژیم اسلامی فاقد چنین ارزی است. از طرف دیگر بورژوازی جهانی حاضر نیست بدون آینده‌ای روشن این کمکها را به ایران سرازیر کند. امروز این مشکل گریبانگیر دولت رفسنجانی است. اگر تا دیروز هم بورژوازی جهانی و هم اپوزیسیون بورژوازی از دولت هاشمی رفسنجانی حمایت کردند و آن را برای امنیت سرمایه دولت مثبتی ارزیابی کردند،

ولی امروز این امید ها به یاس مبدل گردیده است. اگر یکسال قبل علی امینی از میهن "پرستان واقعی" دعوت کرده بود که برای بازسازی کشور به ایران بازگردند و دولت جدید را در این امر یاری رسانند ولی امروز خود را مدافع پلاتفرم ۱۴ مادهٔ‌ای رضا پهلوی می‌داند و اپوزیسیون رژیم را به پیوستن به چنین پلاتفرمی دعوت می‌کند. امروز سران و وابستگان نهضت آزادی با نوشتن نامه به ریاست ج از او می‌خواهند که از خشم مردم بترسند و مراقب اوضاع باشند که همانطور که در انقلاب بهمن سیل جاری گشت قبل از وقوع آن، چاره جویی کنند. در نامه فوق به عدم "دمکراسی" و "آزادیهای فردی و اجتماعی" اشاره شده است هر چند که نهضت آزادی چه در زمان دولت موقت و چه بعد از آن نشان دادند که خودشان جزء لگد مال کنندگان آزادی هستند.

مجموع شواهد نشان میدهد که ج اسلامی در یک بن بست قرار گرفته است، از طرفی اعتراضات توده‌ای مردم علیه دستگاه حکومتی شکل علنی‌تر بخود گرفته است و دیکتاتوری عریان که از طرف رژیم در سالهای ۶۰ بر جامعه حاکم گشته بود تا اندازه‌ای شکسته است، عقب نشینی رژیم در این عرصه بخاطر اعتراضات توده‌ها از یک طرف و پاسخگو نبودن به نیازهای مردم از طرف دیگر میباشد. ج اسلامی برای برون رفت از بحران فوق می‌بایست تدابیری اتخاذ کند. تا آنجا که به جنبش اعتراضی مربوط می‌شود، این جنبش فاقد تشکل و سازماندهی است و یک جنبش خودبه خودی است که فاقد محمل میباشد. هر آن رهبران رژیم اسلامی احساس کنند که این اعتراضات منجر به نابودیشان خواهد شد، اختلافاتشان را کنار خواهند گذاشت و برای سرکوبی جنبش توده‌ای اراده واحد از خود نشان خواهند داد. از طرف دیگر ج اسلامی با چنین ساختار روبنایی نمی‌تواند سالیان سال برای یک قدرت تکیه زند و یا در نظر گرفتن تغییر و تحولات در اروپای شرقی و بخشی از کشورهای دیگر سیمای جهان در چار تغییر و تحول گردیده و بدون شك انعکاس این تغییر و تحولات خواه ناخواه در جامعه ما هم پدیدار خواهد گشت. اینکه این تغییر و تحولات به چه صورتی در جامعه قابل حصول است احتیاج به بررسی

گزارشی از وضعیت مهاجرین در آلمان شرقی

مقدمه

در پویش شماره‌ٔ ۷ گزارش گرد همایی مربوط به تاسیس تشکیلات سراسری ضد نژاد پرستی، که در روزهای ۵ و ۶ مه در فرانکفورت برگزار شد، درج گردید.

در این گرد همایی، باربارا برود، نماینده‌ٔ گروه کار "علیه دشمنی با خارجیها" از آلمان شرقی نیز حضور داشت و با توجه به کمبود وقت، اطلاعات مختصری درباره‌ٔ وضعیت مهاجرین در آلمان شرقی در اختیار حضار گذاشت. در ادامه گرد همایی رفیق نماینده‌ٔ "کمیته‌ٔ همبستگی با مبارزات مردم ایران" که در جلسات حضور داشت، با نماینده‌ٔ این گروه تماس گرفته و از وی درخواست کرد که گزارش مفصل تری از وضعیت خارجیها در آلمان شرقی برای نشریه پویش ارسال دارد.

باربارا برود نیز از این پیشنهاد استقبال نمود و قول ارسال این گزارش را داد.

مقاله‌ای را که در زیر می‌خوانید حاصل رابطه‌ای است که در گرد همایی فوق الذکر بین "کمیته‌ٔ همبستگی با مبارزات مردم ایران" و گروه کار "علیه دشمنی با خارجیها" در آلمان شرقی، ایجاد شد. توجه به وضعیت مهاجرین در آلمان شرقی از این نظر جالب است که بدانیم، مهاجرین و خارجیها در این کشور نیز در شرایطی بسیار سخت و مشخصا "بدتر از آلمانیها، بنحوی کاملا" ایزوله از آنان زندگی می‌کنند و اینکه در شرایط کنونی ووحدت دو آلمان، با توجه به رشد گرایشات راست و فاشیستی در آلمان شرقی، زندگی خارجیهای مقیم این کشور در معرض تعرضات وسیعی قرار گرفته است.

این مقاله از طرف دوست عزیز موسی ترجمه شده و با تغییراتی در این شماره‌ٔ پویش به چاپ می‌رسد. کلمات داخل پرانتز برای سهولت مطلب اضافه شده است.

درباره‌ٔ وضع خارجیها در آلمان شرقی و فعالیت گروه کار ما

در آلمان شرقی چرخش به سوی دمکراسی از مراسم مذهبی هفتگی برای صلح، عدالت و حفظ نوآوری در تمام شهرهای بزرگ کشور آغاز شد. در آنجا تمام اطلاعات ضروری دست به دست می‌شد و همچنین همه به حرکت و همراهی فراخوانده می‌شدند. شرکت کنندگان نه تنها مسیحیان بلکه تمام بخشهای مردم را شامل می‌شدند. از دل این عبادت های صلح آمیز گروههای کار مختلفی با این هدف شکل گرفتند که در حل مشکلات بزرگ این کشور موثر باشند. در گروه کار "علیه دشمنی با خارجیها" ۴ زن شرکت کردند که خود از گرایشات ضد خارجی که خود را پس از چرخش تقریبا" همه جا نشان می‌دادند، در رنج بودند. اطلاعات ما درباره‌ٔ وضعیت خارجیها در کشورمان بسیار اندك بود، زیرا که قراردادهای دولتی که شرایط کار و زندگی اکثر خارجیهای مقیم اینجا را تنظیم می‌کردند، سری بودند. آنچه که ما با تحقیقاتمان بدست آوردیم، رضایتبخش نبود. خارجیهای ساکن آلمان شرقی در وهله‌ٔ اول از ویتنام، موزامبیك، کوبا و لهستان می‌باشند. آنها بعد از اینکه یك دوره‌ٔ ۴ هفته‌ای آموزش زبان آلمانی را دیده بودند، برای جبران کمبود نیروی کار برا ساس یك قرارداد دولتی برای مدت ۵ سال به این کشور آورده می‌شدند. عملا "موقعی که آنها به پیش ما می‌آمدند اصلا" آلمانی بلد نبودند.

گزارشی از وضعیت مهاجرین در آلمان شرقی

پاس‌های آنها برای این مدت (۵ سال) در نزد سفارت گذاشته می‌شد • آنها در کارخانه‌ها عمدتا" در محلهای تا مطلوب سه شیفتی بکار گمارده می‌شدند. نا مطلوب برای اینکه همهٔ کارهای یکنواخت و کثیف در سیستم سه شیفتی انجام می‌گیرد • مزد آنها طبق تعرفه پرداخت می‌شد • در مورد ویتنامیها ، ۱۲ در صد از حقوق آنها برای" ساختمان کشور" به جمهوری ویتنام پرداخت می‌گردید • این زحمتکشان خارجی در خوابگاه‌ها ، در تنگ ترین اطاقها اسکان می‌یافتند طبق قرارداد دولتی به هر ویتنامی ۵ متر مربع محل زندگی تعلق می‌گیرد که اکثرا" نیز (این قاعده) رعایت نمی‌شود • من در ادامه قبل از همه به ویتنامیها می‌پردازم زیرا که آنها بیشترین تعداد خارجی ها را ، حداقل در محدودهٔ ما ، تشکیل می‌دهند وما در مورد وضعیت آنها به خوبی مطلع هستیم •

از آنجا که در ویتنام بیکاری وسیع و فقر وجود دارد عمدتا" ویتنامی‌ای که در اینجا کار می‌کند تنها نان آور خانواده است • با پول آلمان شرقی (ولی) نمی‌توان کاری در ویتنام کرد • به همین دلیل لازم است کالاهای مورد نیاز در ویتنام را که اکثرا" قوانین گمرکی ارسال آنها را بسیار محدود نموده است ، به خانه فرستاد • علاوه بر این از طرف دولت برای خرید خارجیان تا به حال اعمال محدودیتهایی می‌شد که این محدودیتها با تفسیر خود سرانه فروشندگان از آن باز هم محدودتر می‌شدند • این مشکلات با اتحاد ارزی دو آلمان اهمیت خود را از دست خواهند داد •

با این حال بر اساس این، حقوق خارجیها باز هم تضییق خواهند شد ، چرا که آنها عایدی با زحمت بدست آورده شان را بر خلاف همکاران شهروند آلمان شرقی خود ، در نسبت سه به یک دریافت خواهند نمود • خارجیها در آلمان شرقی حق شرکت در انتخابات محلی را دارند • اما بدلیل موانعی مثل زبان ووضعیت مسکونی (شان) به نحوی ایزوله شده‌اند که آنها و به خصوص ویتنامیها مشکل بتوانند از این حق خود استفاده نمایند • علاوه بر آن احتمالا" این احساس را دارند که هیچ حزبی منافع و مشکلات آنها رانمایندگی نمی‌کند • همشهریان خارجی در آلمان شرقی از موقعیت ایزولهٔ خود رنج می‌کشند • علاوه بر آن اخیرا" بد رفتاری رو به افزایش با خارجیها نیز به آن اضافه شده است • عمدتا" در رستورانها مورد پذیرایی قرار نمی‌گیرند • انسانها به نحوی غیر دوستانه و کناره جویانه با آنان رفتار می‌کنند • همچنین مورد ضرب و شتم تا حد مرگ نیز قرار گرفته‌اند • علاوه بر همهٔ اینها هیچگونه برنامهٔ فرهنگی برای آنها به زبان کشورشان وجود ندارد • زنان ویتنامی که در این جا باردار می‌شوند ، یا باید سقط جنین کنند و یا این که به کشور خود بازگردند • اخیرا" این امر بنا به قرارداد دو کشور کمی آسان تر شده است • با این همه زنی که هم اکنون بچه‌اش را نگه دارد مجبور است در اطاقهای نوسازهایمهای مخصوص که پیش از این هم پر بود زندگی کند •

گروه کار ما ، که در این میان تعدادی از خارجیها نیز با آن همکاری می‌کنند ، این وظیفه را در مقابل خود قرار داده است که مشکلات خارجیهایی را که در آلمان شرقی زندگی می‌کنند ، به میان مردم ببرد • علاوه بر این ما کوشش کردیم یک محلی برای تجمع و گرد هم آمدن خارجیها بوجود بیاوریم که در آن جا بتوان به صحبت و تبادل نظر دربارهٔ مسائل و مشکلات پرداخت. در این محل گاه گاهی یک فیلم ویتنامی نشان داده می‌شود • اینها قدمهای کوچکی می‌باشند که ما توانستیم برداریم ولیکن ما آنها را ضروری شمرده و —

گزارشی از وضعیت مهاجرین در آلمان شرقی

برایشان اهمیت قائل هستیم . ما هیچگونه کمک مالیی دریافت نمی‌کنیم. اطاقهای مورد نیاز را تا کنون کلیسای پروتستان در اختیار ما گذاشته است.

به خاطر موقعیت دشواری که کارخانه‌های آلمان شرقی در شرایط کنونی دارند ،بسیاری از آنان سعی می‌کنند از دست کارگران خارجی خلاص شوند . تا کنون ۵۰۰۰ کارگر ویتنامی اخراج شده‌اند . علاوه بر آن از ۵۸۰۰۰ ویتنامی که در آلمان شرقی زندگی می‌کرده‌اند ، ۴۰۰۰ نفر بطور غیر قانونی از طریق مرزهای برلین غربی به آلمان غربی رفته‌اند تا در آنجا تقاضای پناهندگی نمایند .

در آلمان شرقی تا لحظهٔ کنونی هنوز قانون پناهندگی وجود ندارد . ما از این امر وحشت داریم که آلمان شرقی قوانینی که در مورد خارجیها در آلمان غربی وجود دارد را مثل سایر چیزها بدون هیچگونه انتقادی نسبت به آن گرفته و بپذیرد .

مسئول امور خارجیهای حکومت ،منشی دولت خانم برگر Berger هفته گذشته به ویتنام سفر کرد تا مجددا" در مورد قراردادهای بین دو کشورمذاکره کند. ویتنامیهایی که دیگر امکان اشتغالشان در کارخانه‌های ما نمی‌باشد ،می‌بایستی قبل از بازگشت به کشورشان حداقل یك خسارت به آنها پرداخت شود . به هر صورت هنوز روشن نیست چه تعدادی ازویتنامیها راه برلین غربی را در پیش خواهند گرفت .

علاوه بر خارجیهایی که در چارچوب قراردادهای دولتی در این کشور به سر می‌برند ،تعداد نامعلومی از خارجیان وجود دارند که با آلمانیها ازدواج کرده‌اند. کسانیکه با آلمانیها ازدواج کرده‌اند این امکان را دارند که تابعیت آلمان را داشته باشند . قانون تابعیت دوگانه در اینجا نیز وجود ندارد. پدر و مادر تصمیم می‌گیرند که بچهٔ مشترکشان تابعیت کدام کشور را بگیرد .

همچنین یك سری دانشجویان خارجی وجود دارند که مخارج تحصیل آنها یا توسط دولت آلمان شرقی و یا کشور خودشان تأمین می‌شود . وضعیت این دانشجویان نیز مبهم است. چرا که آنها نمی‌دانند در روند وحدت دو آلمان چه شرایطی در انتظار آنها خواهد بود .

خارجیان به مدارس عالی جذب شده‌اند . آموزش‌حرفه‌ای در مدارس‌فنی مخصوص ، بخشا" بد است . به طوریکه افرادی که در این مدارس‌آموزش‌دیده‌اند ،اغلب دارای این مشکل‌میباشند که هنگامیکه به کشورشان باز میگردند ،کاری پیدا نمی‌کنند . تمام امتحانات و تکالیف کتبی می‌باید به زبان آلمانی باشد . بعد از اتمام تحصیل باید همهٔ آموزش‌دیدگان به کشور خود بازگردند .

باربارا برود

(Gotha) گوتا ۱۹۹۰/۵/۱۰ ــ گروه کار " علیه دشمنی با خارجیها " ●

بقیه از صفحه ۹

وضعیت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی

بیشتر دارد . در رابطه‌با اختلافات جناحها میبایست یك جناح ،دیگری را حذف کند که این امر درج اسلامی بدون خونریزی و اتکاء به بدنه امت حزب الله امکان پذیر نیست .

اما اختلافات درونی رژیم اسلامی به تنهایی برای سرنگونی آن کافی نیست. تنها جنبش‌اعتراضی متشکل کارگران و زحمتکشان می‌توانند رژیم جمهوری اسلامی را براندازند . این رسالت تاریخی این بار هم مانند انقلاب بهمن بر دوش‌کارگران و زحمتکشان قرار دارد .

بابك
تیرماه ۶۹ □

www.iran-archive.com

گوشه هایی از شرایط کار یك کارگر پست در آلمان غربی

متنی را که در زیر می‌خوانید ،ترجمه قسمتهایی از نامه یکی از کارگران زن اداره پست شهر Gelsenkirchen می‌باشد که در هفته‌نامه Rote Fahne مورخ ۱۹ مه ۹۰ درج شده است .

نویسنده این نامه تصویر زنده‌ای از شرایط کار خود و همکارانش را به دست می‌دهد و از مشکلات کارکنان پست در محیط کار صحبت می‌کند .

در اینجا گزیده‌ای از این نامه را با تغییرات جزئی در ترجمه ، به چاپ می‌رسانیم :

کار ما از ساعت ۴/۵ یا ۵ صبح شروع می‌شود . ما ۵۰ زن هستیم که مراسلات پستی روزانه را تقسیم بندی می‌کنیم. کار من جدا کردن نامه‌های کوچك عادی ،سفارشی و غیره است .

محموله‌های پستی برای پستچی‌ها ،در دو بخش جدا می‌شود . در اینجا استاندارد کار ما از ۱۷۰۰ عدد در ساعت به ۲۰۰۰ عدد افزایش‌یافته است . یك پستچی زن به تنهایی مجبور است از پس تهیه محموله‌های پستی برای ۶۳ خیابان بربیاید . در این میان بدترین چیز تمرکز بسیار محموله‌های پستی و ایستادن طولانی مدت در یك نقطه است .

در ساعت ۷ و ۴۵ دقیقه صبح باید همه چیز آماده شده باشد تا پستچی‌ها بتوانند محموله‌های پستی را برداشته و شروع به پخش نمایند .

اوضاع قبل از ایام تعطیل مثلا " تعطیلات کریسمس، وخیم تر می‌شود . در این اوقات بایستی کار شبانه انجام شود . اما در " مواقع عادی " نیز شدت کار رو به افزایش است .

هر آدرسی که ناخوانا و ناقص نوشته شود ،باعث اتلاف وقت می‌گردد . و این اتلاف وقت را ما بایستی بعدا " با کمك زنان دیگر جبران کنیم . در صورت اشتباه کارگران پست فورا " مورد مواخذه قرار می‌گیرند .

در ساعت ۶/۵ صبح بر حسب مقررات تاکنونی ، ۱۰ دقیقه استراحت داده می‌شود . که در این ۱۰ دقیقه می‌توان حداکثر نوشابه‌ای صرف کرد و یا در صف طویل توالت ایستاد .

سابق ما می‌توانستیم در هنگام کار چند کلمه‌ای با یکدیگر رد و بدل کنیم ،اما امروزه با وجود چنین شدت کاری این امر نیز ممکن نیست .

کار در بخش تقسیم بسته‌های پستی بزرگ ،کاتولوگ‌ها و نشریات واقعا " رنج‌آور است . در آنجا کارگران زن ناگزیرند کیسه‌های سنگین را نیز به این سو و آن سو بکشند .

ایستادن ،خم شدن و انجام حرکت یکنواخت و طولانی در هنگام تقسیم بسته‌های پستی ،به ستون فقرات انسان صدمه می‌زند .

بسیاری از زنان از سردرد ،درد مفاصل و تشنجات عصبی دردستها می‌نالند . همچنین آسیب دیدگی چشم بیماری‌ای است که در بین زنان وجود دارد .

برای انجام چنین کار دشواری ،دستمزد ناخالص یك تازه وارد ،تنها ساعتی ۱۳/۵ مارك است ! (۱)

در هنگام استخدام ما را ناگزیر کرده‌اند ،تعهد نماییم ،در صورت لزوم روزانه تا نیم ساعت بیشتر کار کنیم و تا ۹ دقیقه اضافه کاری ، هیچ دستمزد اضافه‌ای دریافت نکنیم .

همانطور که از متن نامه پیداست افزایش‌شدت کار ،خسته کننده و یکنواخت بودن کار ،کمبود استراحت ،اضافه کاری و کار شبانه ، دستمزد کم در ازای کار سنگین و ابتلای کارگران به بیماریهای گوناگون ناشی از کار ،اجزاء جدایی ناپذیر کار کارکنان پست هستند .

و این همه در کشوری رخ می‌دهد که ثروتمندترین کشور اروپاست و اگر در آن یك مناسبات واقعا " انسانی وجود می‌داشت و اگر میلیونها انسان در آن برای رفع نیازهای سرمایه‌داری آلمان به بردگی گرفته نمی‌شدند ،می‌توانست با این درجه از رشد تولید و تکنیك و با این حد بالای ثروت اجتماعی ،بهترین و سعادتمندانه ترین زندگی را برای تولید کنندگان واقعی جامعه بوجود بیاورد .

و سرانجام این گوشه‌ای از کار میلیونها انسان در کشوری است که علاوه بر طبقه حاکم آن ،بسیاری از سرکوبگران ایرانی که به تازگی به یاد دمکراسی و آزادیخواهی افتاده‌اند ،ادعا می‌کنند در آن همچون کشورهای دیگر اروپای غربی " حقوق بشر " و " موازین دمکراتیك " مراعات می‌شود و بایستی مناسبات به اصطلاح دمکراتیك و انسانی موجود در آن را الگوی سایر کشورها و از جمله ایران قرار داد .

(۱) خواننده توجه دارد که این ۱۳/۵ مارك دستمزد ناخالص هر کارگر است و بخش قابل توجهی از این دستمزد تحت عناوین مالیات ،بازنشستگی و ... از دستمزد کارگران کسر می‌گردد . ●

www.iran-archive.com

نظرات رهبر اتحادیه فلز افریقای جنوبی در باره تحولات این کشور

در مصاحبه‌ای که ذیلا " از نظرتان می‌گذرد موسز مای کیزو رهبر اتحادیه کارگری فلز آفریقای جنوبی (NUMSA) نظرات خویش‌را در مورد تحولات کنونی در این کشور و همچنین وعده‌های اصلاحات از جانب دکلرك ــ رئیس‌جمهور رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی بیان داشته است .

متن این مصاحبه برای اولین بار در نشریه انگلیسی زبان سوسیال ورك رویو (SWR) منتشر شده است .

ترجمه آلمانی این مصاحبه در نشریه کلاسن کامپف مورخ مـی ۱۹۹۰ درج گردیده است و دوست عزیز آزاده قبول زحمت نموده و آن را به فارسی برگردانده است .

عبارات درون (( )) برای سهولت درك مطلب اضافه شده است .

✪✪✪✪

SWR ــ از زمانی که دکلرك قانون برعلیه کنگره ملی آفریقا را لغو کرده است و آزادی ماندلا را اعلام نموده است، چقدر شرایط تغییر کرده است؟

مای کیزو ــ تغییرات را نمی‌توان نادیده گرفت . ملایمت ((دولت)) در مقابل اعتراضات آشکار، آزادی زندانیان و لغو قوانین برعلیه سازمانها خیلی مهم هستند . اما اینها در حکم قطره‌ای روی سنگ داغند ، زیرا قوانین تبعیض‌نژادی بدون خدشه باقی مانده‌اند . قوانینی که سد راه ما می‌شوند، تا آنجایی زندگی کنیم که خودمان می‌خواهیم .

قوانینی که در آن همه به بزهکاری سوق داده می‌شوند ، قوانینی که در آن مبارزه به هرج و مرج تبدیل می‌شود، قوانینی که ما را از انتخاب کردن باز می‌دارند . این قوانین هنوز باقی هستند . ما نمی‌توانیم زیاد تحت تاثیر دکلرك قرار گرفته باشیم . زیرا محله‌های ما هنوز هم در اشغال ارتش هستند و برای اینکه سفید هـا وقتی می‌خواهند چیزی را تغییر بدهند ، به سیاهان غیر دمکرات و رهبران محلی تکیه می‌کنند .

صحبت هنوز هم بر سر گروه‌های دست راستی و جداسازی انسانها از همدیگر به خاطر نژادشان است این چیزی نیست که ما می‌خواهیم . ما خواهان " یك فرد ، یك رای " ! (حق انتخاب برای همه) هستیم .

SWR ــ آیا این یك خواست حداقل است؟

مای کیزو ــ بله این مطلقا " حداقل است . من فکر نمی‌کنم که سازمانی وجود داشته باشد که این خواست را نداشته باشد . اجازه بدهید تکرار کنم . ما خواهان " یك فرد ، یك رای " هستیم . زمانی که سفیدان نامیبیا این خواست را تضمین کردند ، ــ سلاخی نشدند . چرا در آفریقای جنوبی از پیش آمدن چنین اتفاقی می‌هراسند ؟ مانسبت به این مسئله بی‌اعتمادیم که رژیم تا چه حدی در اجرای وعده هایش پیش‌خواهد رفت . این امید که بوسیله دکلرك بیدار شده است، در ادامه‌اش این امر را به همراه دارد که کارگران برای بهتر شدن شرایط کار در کارخانه‌ها پافشاری می‌کنند . آنها می‌خواهند ببینند ، آیا وعده‌ها به حقیقت می‌پیوندند . اما روسا سرکوبگر هستند ، آنها می‌خواهند اتحادیه را تضعیف کنند . تعداد وسیعی از کارگران به این دلیل که در تظاهرات شرکت کرده‌اند و یا پیراهن‌های کنگره ملی آفریقا را پوشیده‌اند ، اخراج شده‌اند . روسا کار را برای ما سخت می‌کنند . آنها می‌کوشند

www.iran-archive.com

نظرات رهبر اتحادیه فلز افریقای جنوبی در باره تحولات این کشور

در برابر مبارزه کارگران برای دستمزد و یا در رویارویی های مربوط به شرایط کار، سرسخت باشند. آنها می‌بینند که سودشان کم می‌شود و فکر می‌کنند که کارگران (باید) بهای بحران‌ها را بپردازند. آنها از رفرم‌هایی در سطح رفرمهای رژیم حمایت می‌کنند، اما در کارخانه‌ها عقب نشینی نمی‌کنند.

SWR — آفریقای جنوبی پس از پایان آپارتاید چگونه می‌تواند مانع گردد که ((اوضاع)) مثل زیمبابوه شود.

((جایی که)) یك اقلیت حکومت می‌کند و خواسته اکثریت ندیده گرفته می‌شود؟

مای کیزو — آفریقای جنوبی مثل زیمبابوه و یا نامیبیا نیست. طبقه کارگر اینجا خیلی بزرگ تر است. آفریقای جنوبی کشوری خواهد بود که تمام منطقه را آزاد خواهد کرد. اتحادیه کارگری Cosatu در تمامی اتفاقاتی که پیش‌آمده تا کنون به عنوان محور و تکیه گاه بوده است و در آینده نیز نقش‌بزرگی را ایفاء خواهد کرد. به همین خاطر هم نمی‌تواند ((آفریقای جنوبی)) شبیه زیمبابوه باشد. فعالین اتحادیه کارگری با بحث های سیاسی پیوند خورده‌اند.

SWR — اما مشورت با رهبران اتحادیه کارگری حمایت از خواسته‌های کارگران را تضمین نمی‌کند؟

مای کیزو — درست است. بزرگترین خطرمی‌تواند این باشد که ما بگذاریم استقلال مان از بین برود. این خطرناك است اگر ما بگوییم: "حالا ماآزادی داریم، دیگر دلیلی برای تقویت" استقلال "مان وجود ندارد." چون "یك فرد، یك رأی" هنوز آزادی واقعی نیست. تا زمانی که ما تمام ساختمان اقتصادی را تغییر نداده‌ایم و کنترلی روی تولید وتوزیع ندارید، به معنی واقعی آزاد نیستیم. جنبش‌اتحادیه کارگری می‌تواند راهی را به سوی افزایش‌قدرت کارگری در کارخانه‌ها نشان دهد.

وقتیکه سوال می‌شود چه تولید می‌گردد و چگونه توزیع می‌شود، ما نمی‌توانیم کنترل کامل را فورا" ((در دست)) داشته باشیم، اما اتحادیه کارگری می‌تواند در آن سهیم باشد.

SWR — آیا چنین تغییراتی می‌تواند بوسیله اقداماتی مانند تغییر دولت، از بالا بوجود بیاید و یا به یك انقلاب از پایین بوسیله شوراهای کارگران احتیاج است؟

مای کیزو — یك تفاوت بین این دو راه موجود است. آنچه که در اروپای شرقی شکست خورد سوسیالیسم نبود، بلکه‌ساختمان فرماندهی از بالا بود. آنچه ضروری است یك ساختمان دیگر است که در آن پایه‌ها شرکت داشته باشند و در طرح‌های اقتصادی گوش شنوایی بیابند. با تغییر دولت به تنهایی تغییرات بسیار کمی بوجود خواهد آمد. ما دیدیم که در شرق چه اتفاقی افتاد. ما به جامعه‌ای احتیاج داریم که در آن کارگران سهیم باشند.

SWR — آیا ما برای اینکه به چنین جامعه ای برسیم به یك انقلاب احتیاج نداریم؟

مای کیزو — تغییرات انقلابی ضروری هستند و ما می‌خواهیم طرح‌ها را انقلابی کنیم. وقتیکه ما دست به ترکیب طرحهای جامعه ترینم، چیزی تغییر نخواهد کرد. ما مبارزه می‌کنیم و این مبارزه را برای ((رسیدن به)) جامعه‌ای که در آن نیازهای توده‌ها مورد نظر باشند ادامه می‌دهیم. آنجا که کسانی که تولید می‌کنند از سطح زندگی خوبی برخوردار باشند. یعنی آپارتاید را نابود کنند، اما همچنین برای بیشتر از آن ((نابودی آپارتاید)) مبارزه کنند.

www.iran-archive.com

گزارشی از وضعیت اردوگاههای پناهندگان کرد عراقی در ترکیه

آنچه که در زیر می‌خوانید، ترجمه‌ای از گزارشی درباره‌ٔ وضعیت کرد های عراقی می‌باشد که در روزنامه‌ٔ تاتس به تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۹۰ به چاپ رسیده است. این ترجمه تا حدودی گوشه ای از شرایط مشقت بار و غیر انسانی که با همکاری دو دولت ترکیه و عراق علیه کرد های پناهنده عراق تحمیل شده است نشان میدهد.

✪✪✪✪

در ماه اوت ۱۹۸۸ حدود ۳۳۰۰۰ کرد عراقی بدنبال بمبارانهای شیمیائی دولت عراق و نابودی کامل حداقل ۵۰۰ روستا، برای حفظ جان خود به ترکیه پناه می‌برند. از آن زمان تاکنون با وجودی که در طی این بمبارانها چندین هزار نفر کشته شده‌اند، دولت ترکیه این کرد ها را بعنوان پناهنده‌ٔ سیاسی نمی‌شناسد و آنها را در شرایط بسیار نامساعد و با امکانات بسیار محدود در ۳ اردوگاه بزرگ اسکان داده است و روز به روز فشار بر آنها را به منظور مجبور نمودنشان به بازگشت به عراق بیشتر می‌کند.

در ۲۱ فوریه امسال، وزیر داخله ترکیه به همراه هیاتی راهی عراق می‌شوند. متعاقب این سفر، سیاست بازگرداندن پناهندگان کرد عراقی به کشور عراق از همه‌ٔ جوانب آغاز و تشدید می‌گردد.

در روز ۲۶ فوریه صدام حسین رئیس دولت عراق، موضوع "عفو عمومی" برای کسانیکه به خاك عراق باز گردند را بابوق و کرنا در وسایل ارتباط جمعی اعلام می‌کند. همزمان با این تبلیغات، سازمان ملل متحد نیز طرح یك پروژه‌ٔ ۱۴٫۵ میلیون مارکی جهت احداث یك اردوگاه برای کرد های پناهنده در پوسگات ترکیه را مورد تجدید نظر قرار داده و آن را رد نموده است.

این موارد فشار بین المللی بر کرد ها را افزایش داده‌اند. صدام حسین مهلت برای بازگشت کرد ها به عراق را از ۱۱ آوریل تا به ۱۱ ژوئیه امسال تمدید نموده است.

دولت ترکیه با این بهانه که شرایط برای بازگشت کرد های پناهنده به عراق مساعد شده است به آنان فشارهای همه جانبه‌ای را تحمیل می‌کند. بعنوان مثال، در اردوگاه کی‌سیل تپه (Kiziltepe) که ۱۱۵۰۰ نفر از پناهندگان کرد را در خود جای داده است، از ۲ ماه پیش تاکنون سهمیه‌ٔ گوشت هفتگی توزیع نشده است. قبلاً آنان می‌توانستند مایحتاج خود را از دهات اطراف تأمین نمایند ولیکن از ۲ ماه پیش تاکنون این امر نیز ممنوع شده است. تا از تماس و ارتباط بین کرد های عراقی و اهالی کرد ترکیه ممانعت به عمل آید. سه بار تاکنون سهمیه‌ٔ روزانه‌ٔ نان پناهندگان کرد به طرق مختلف مسموم شده است. نوشت افزار در اختیار اردوگاه‌ها قرار نمی‌گیرد تا مانع از آموزش کودکان در مدارس و تأمین امکانات آموزشی گردد، آموزشی که با همکاری و همیاری خود کرد ها تدارك دیده شده و ایجاد گردیده است.

علاوه بر تمامی این فشارهای غیر انسانی می‌توان از حمله‌ٔ مستقیم انیفورم پوشهای ترك به اردوگاه پناهندگان نام برد.

چنانکه بر طبق گزارش های سازمانهای بین المللی مثل مدیکو Medico و مجتمع خلقهای تحت ستم، در روز ۱۳ ماه مه پلیسهای مسلح و اعضای کماندوهای واحد های مخصوص ارتش ترکیه، به داخل محوطه‌ٔ اردوگاه یورش آورده و بدون هدف شروع به شلیك می‌کنند و به ضرب و شتم پناهندگان می‌پردازند. آنها همچنین به کمك وسایل نقلیه خود چادرهای محل زندگی پناهندگان را خراب می‌کنند. تمام مغازه هایی که پناهنده‌ها در محل و دهنه ورودی اردوگاه بر پا کرده بودند را در هم می‌کوبند.

از آن زمان تاکنون اردوگاه توسط نیروهای مسلح اشغال شده، آب آشامیدنی آنجا قطع شده و اعضای کمیته‌ٔ اردوگاه دستگیر شده‌اند. از ترس حملات اجتماعی بعدی، پناهندگان جرأت نمی‌کنند از چادرهایشان خارج شوند و امکان هیچ گونه تماسی با خارج از اردوگاه را ندارند.

هم اکنون در میان پناهندگان این اردوگاهها تردید و دودلی حکمفرماست. از یك طرف شرایط زندگی داخل اردوگاهها به نحو غیر قابل تحملی، طاقت فرسا می‌شود. هر روز از بلند گوها، شعارهایی مانند "برگردید داخل روستاهایتان" پخش می‌شود و آنها را به این امر ترغیب می‌کنند، از طرف دیگر کمیته‌های انتخابی اهالی اردوگاه و سخنگویان آنها و نیز حزب دمکرات کردستان

www.iran-archive.com

گزارشی از وضعیت اردوگاههای پناهندگان کرد عراقی در ترکیه

عراق از آنها می‌خواهند که اردوگاهها را ترک نکنند . حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری بارزانی در اعلامیه‌هایی که در اردوگاهها پخش‌شده ،با این استدلال که روستاها و محلهای زندگی آنان توسط دولت عراق مصادره شده است،از آنها می‌خواهند که به عراق بازنگردند .

در عین حال در این اعلامیه‌ها قید شده که برای بازگشت به عراق به آنها پاسپورت قرمز رنگی داده خواهد شد که از پاسپورتهای معمولی که رنگ آنها زرد است،متفاوت است . با این ترتیب در صورت بازگشت آنها به عراق ،این امکان که آنان مورد شناسایی قرار گرفته و از سایر اهالی عراق منزوی نگهداشته شوند ،وجود خواهد داشت .

●

15.000 kurdische Flüchtlinge teilen sich 30 Toiletten — Alltag in einem Lager in der Osttürkei

Foto:epd/Suhan

عکس‌بالا گوشه‌ای از شرایط غیر انسانی تحمیلی بر کردهای پناهنده در یک اردوگاه شرق ترکیه را نشان میدهد . مردم تحت ستم کرد در صف توالت ساعتها منتظر می‌مانند ،چرا که برای ۱۵۰۰۰ پناهنده کرد ،تنها ۳۰ توالت اختصاص یافته است یعنی برای هر ۵۰۰ نفر یک توالت .

بقیه از صفحه ۲۰

تجهیز قلعه ها (پیرامون یکی از سیاستهای دولتهای اروپائی)

ذخایر طلا در آن بسیار یافت می‌شود .

استعمال این لفظ در متن کنایه از این است که اروپای غربی و مرکزی به یک سرزمین رویایی برای مهاجرین تبدیل شده‌اند .

(۲) TREVI مختلف Extremism ، Radicalism، Terrorism ، Internatinal Violence است و وظیفه خود را مبارزه بین المللی با تروریسم ،افراطگرایی و توسل به قهر قرار داده است و در واقع یکی از اهداف آن مبارزه بر علیه گرایشات مترقی ،دمکرات و کمونیستی می‌باشد .

فعالیت TREVI تنها مختص بازار مشترک نیست و دولتهای ایالات متحده ،کانادا ،اتریش،سوئیس،نروژ،مراکش،مالت،ترکیه و یوگسلاوی در زمینه‌های مختلف جنایی و " امنیت داخلی " در آن همکاری می‌کنند .

(۳) کشورهای بنلوکس عبارتند از هلند ، بلژیک و لوگزامبورگ

(٤) قرارداد شنگن در تاریخ ۱۹ ژوئن به امضای دولتهای آلمان غربی،فرانسه ، بلژیک ، هلند و لوکزامبورگ رسید .

●

تشدید جو نژاد پرستانه در سوئد

از ۲۴ تا ۲۷ ماه مه یعنی در عرض ۳ روز، ۵ هایم پناهندگی در ۵ شهر مختلف سوئد به آتش‌کشیده شدند که در مجموع ۱۱ تن از پناهندگان در این آتش‌سوزیها مجروح شدند. ۲ عدد ازاین هایم‌ها خالی بوده و هنوز پناهنده‌ها در آنجا اسکان نیافته بودند وگرنه تعداد قربانیان سر به فزونی می‌زد.

وزیر اداره‌ٔ امور مهاجرت سوئد و دولتمردان این کشور با موضع کاملا" حق به جانبی نسبت به این آتش‌سوزیها و عاملان آنها اظهار بی اطلاعی نموده و حداکثر بعضی از گروههای کوچك راست افراطی را در این رابطه متهم می‌کنند. ولی کیست که نداند که خود این دولت پرچمدار سیاستهای راسیستی و ضد پناهندگی در این کشور می‌باشد.

دولت سوئد مدتی است که جاروجنجال تبلیغاتی شدیدی را با این ادعای واهی براه انداخته که هجوم پناهنده‌ها به این کشور بحدی است که دولت سوئد دیگر توانایی اسکان و تأمین امکانات برای ایشان را ندارد. درصورتی که در واقعیت تعداد پناهندگانی که سالانه به سوئد وارد می‌شوند، تنها به ۲۰۰۰۰ نفر بالغ می‌شود و مسلما" تأمین امکانات برای این تعداد، آنهم برای یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان نمی‌تواند چنین مشکلی‌را در برداشته باشد.

گذشته از این سیاستهای راسیستی دولت سوئد به عرصه‌ٔ جاروجنجال محدود نمانده‌است. چنانکه در ماه دسامبر سال ۸۹، دولت سوئد با تعریف جدیدی از مفهوم پناهندگی و شخص پناهنده، حدود ۱/۳ پناه جویان این کشور را فاقد شرایط پناهندگی دانست. اخیرا" نیز با تصویب قانون جدیدی به پلیس سوئد در باز پس‌فرستادن ضربتی پناهندگان بخصوص مستقیما" در مرزها اجازه رسمی و قانونی داده شده است. بعنوان مثال در مرزها، پناهجویان راساعتها در کشتی‌های باربری محبوس نموده و سپس‌آنان را به لهستان باز می‌گردانند...

همزمان با این امور، جو ضد خارجی و نژاد پرستانه در میان اهالی سوئد نیز بالا گرفته است. یکی از هایم‌های به آتش‌کشیده شده، در شهری به نام کیم اشتات با ۱۶۰۰ نفر جمعیت (سوئدی) واقع‌بوده که قرار بوده است برای اسکان ۱۷۵ نفر پناهنده آماده گردد.

اسکان پناهنده‌ها در این هایم با مخالفت شدید اهالی این شهر روبرو می‌شود، بنحویکه ۱/۳ اهالی آن رسما" و علنا" عضو کمیته‌ای بنام "اتحادیه بر علیه هایم پناهندگی" می‌باشند. شدت دشمنی کور مردم با این هایم چنان بوده است که بعد از به آتش کشیدن آن، مردم تأسف می‌خوردند که چرا این هایم کاملا" ویران نگشته است.

مسلما" در این میان سیاستهای دولت سوئد باز هم آتش بیارمعرکه است. چرا که سازمانهای مترقی گزارش‌داده‌اند که در چند کیلومتری کیم اشتات خانه‌های خالی جهت اسکان پناهندگان وجود داشته و اصلا" ضرورتی به ساختن یك هایم برای پناهندگان در این شهر وجود نداشته است. علیرغم این امر دولت سوئد هم اکنون نیز اصرار دارد تا پناهندگان در این هایم (با وجود آتش‌سوزی اخیر) اسکان یابند.

●

اختلافات درونی جمهوری خواهان و برکناری "شون هوبر"

در استان بایرن، فراکسیونی از اعضای سابق گروههای فاشیستی NPD و DVU بوجود آمده است. از نظر این فراکسیون مواضع شون هوبر رهبر سابق جمهوری خواهان (Republikaner) به اندازه کافی محکم، قاطع و ناسیونالیستی نیست و وی از نظر تاکتیکی بیش از حد مراعات محافظه کاران و مافوق راستها را می‌کند. هارالد نوی باور، حامی تا کنونی شون هوبر که نماینده جمهوری خواهان در پارلمان اروپا و رهبر جمهوری خواهان در استان بایرن می‌باشد در اتحاد با فرانس گلازاور با ایجاد فراکسیون مذکور جبهه نیرومندی را بر علیه شون هوبر بوجود آورده‌اند. فرد اخیرالذکر همان کسی است که در ماه مارس به جرم ایجاد نفرت و تشنج در میان مردم به ۵۰۰۰ مارك جریمه محکوم شد.

از سوی دیگر در مناطق شمال بایرن، Schwaben و Oberpfalz موجی از کناره‌گیری فعالین جمهوری خواهان در جریان است. این افراد از "گرامیداشت ناسیونالیسم" و کاربرد "متدهای مافیایی" انتقاد می‌کنند و به تاسیس حزبی بر یك "بنیاد دمکراتیك" می‌اندیشند. در این هرج و مرجی که بین جناحهای مختلف درون جمهوری خواهان پدید آمده، شون هوبر به گونه‌ای غافلگیر کننده اعلام نمود که خود شخصا" کاندید احراز ریاست جمهوری خواهان در استان بایرن می‌شود و بر سر نصب این مقام با "نوی‌باور" به رقابت برمی‌خیزد. این اقدام شون هوبر فرصت مناسبی در اختیار هواداران "نوی‌باور" گذاشت تا شون‌هوبر را به زیر انتقاد گرفته و وی را مسئول ضربه زدن به حزب معرفی نمایند. سایر نمایندگان جمهوری خواهان

∞

www.iran-archive.com

تجهیز قلعه ها (پیرامون یکی از سیاستهای دولتهای اروپائی)

مقدمه

مقاله " تجهیز قلعه‌ها " نوشته میشائیل بولارد در روزنامه آلمانی زبان TAZ مورخ ۱۰ مه ۹۰ به چاپ رسیده است .

از آنجا که این مقاله به سیاست دولتهای اروپایی نسبت به پناهندگان و مهاجرین و اقداماتی که این دولتها در این رابطه در صدد انجامش هستند ،اشاره می‌کند و این مسائل به زندگی همه پناهندگان و مهاجرین مستقیما " مربوط می‌شود ،ما ترجمه خلاصه‌ای از این مقاله را مفید تشخیص‌دادیم .

بدیهی است که انتشار این مقاله برای اطلاع‌خوانندگان از نظراتی است که در نشریات آلمانی زبان در این رابطه درج میشود و به معنای موافقت یا مخالفت ما با مسائل مطرح شده در آن نیست .

عبارات درون (( )) برای سهولت درک مطلب اضافه گردیده است .

✪✪✪✪

اروپای متحول می‌خواهد با هماهنگ کردن قوانین پناهندگی و ویزا ،مهاجرت را متوقف کند .

هنوز بر دروازه‌های اروپای غربی هرج و مرج بوروکراتیک ،مسلط است . ((به عنوان مثال)) در حالیکه بلغارها می‌توانند بدون ویزا به دانمارک سفر کنند ،ساکنان رومی کشور واتیکان برای ورود به یونان مجبور به تقاضای ویزا هستند . با وجود یکه فرانسه مانع ورود مراکشی‌ها به کشورش‌می‌شود ،آنها با گرفتن ویزا از کشورهای اروپایی همسایه ،بدون دردسر وارد سرزمین رویاهایشان می‌شوند .

اختلافات درونی جمهوری خواهان و برکناری " شون هوبر "

در پارلمان اروپا نیز از این اقدام شون هوبر انتقاد نمودند و بدین ترتیب ضربه شدیدی بر اعتبار و نفوذ شون هوبر در صفوف جمهوری خواهان وارد شد .

سرانجام و در ادامه این اختلافات درون حزبی ،شون هوبر در تاریخ ۲۵ آوریل از رهبری جمهوری خواهان برکنار شد .

برکناری شون هوبر ـ بنیانگزار حزب جمهوری خواهان آلمان ـ حادثه مهمی در حیات سیاسی این حزب به شمار می‌آید .

پس از برکناری شون هوبر جمهوری خواهان ناگزیر شدند یک ضربه دیگر را نیز متحمل گردند و آن شکست انتخاباتی ایشان در انتخابات مجالس ایالتی در استان های نید رزاکسن و نورد راین وستفالن بود .

در این انتخابات که در تاریخ ۱۳ مه برگزار شد و نتایج آن در پویش ۷ نیز منتشر گردید ،جمهوری خواهان در استان نورد راین‌وستفالن تنها ۱/۸ درصد و در نید رزاکسن فقط ۱/۵ درصد آراء را بدست‌آوردند و قادر نشدند هیچ نماینده‌ای به مجلس ایالتی در این استان ها بفرستند !

اختلافات درونی جمهوری خواهان ،برکناری شون هوبر و بالاخره نتایج نامطلوب انتخابات ۱۳ مه برای ایشان، برخی از مطبوعات آلمان را واداشت تا از ورشکستگی و پایان کار جمهوری خواهان سخن به میان آورند .

با این وجود به نظر می‌رسد که حکم به ورشکستگی و انحلال غریب الوقوع جمهوری خواهان شتاب زده و نسنجیده باشد .

نشریه Antifaschistische Nachrichten (" اخبار ضد فاشیستی ") مورخ ۸ ژوئن ۹۰ در این رابطه می‌نویسد :

" هیچ چیز برای ما مطلوب تر از پایان (کار) حزب فاشیستی نیست ،اما در حال حاضر تنها می‌توان شدیدا نسبت به داشتن چنین امیدهایی اعلام خطر کرد.

(قضیه) بیشتر چنین است‌که شواهد بسیاری دایر بر راد یکالیزه شده صحنه فاشیستی وجود دارد،که جمهوری خواهان آشکارتر از سابق به پتانسیل نئوفاشیستی و فاشیستی در جامعه آلمان فدرال روی خواهند آورد ۰۰۰۰ "

از شواهدی که می‌تواند دال بر حرکت‌جمهوری خواهان در جهت بیان آشکارتر اهداف و تمایلات فاشیستی خویش‌باشد ، تشکیل فراکسیون دست راستی و نیرومندی است‌که پیشتر به آن اشاره کردیم .

نکته دیگری که در این رابطه جالب توجه است،اینکه پس از برکناری شون هوبر،حزب NPD ـ که اهداف فاشیستی خویش‌را بسیار آشکارتر و صریح تر از جمهوری خواهان بروز می‌دهد و در جناح راست جمهوری خواهان قرار دارد ـ اعلام کرد شون هوبر فردی بود که تا کنون مانع " اتحاد همه نیروهای معقول ناسیونالیستی و دمکراتیک " می‌شد.و اکنون که وی برکنار شده امکان همراهی دو حزب جمهوری خواهان و NPD پدید آمده است.

به هر حال تد رسلم اینکه شکست‌های مقطعی این یا آن جریان فاشیستی، نباید خوش‌باوری و امیدهای غیرواقعی را در صفوف نیروهای ضد فاشیست‌دامن بزند ومنجر به تضعیف فعالیت های ضد فاشیستی گردد بلکه باید همچنان این واقعیت را در نظر داشت‌که گرایشات فاشیستی و نئوفاشیستی متاسفانه در جامعه آلمان رو به تقویت هستند و مبارزه با این گرایشات نیز صرف انرژی و نیروی بیشتری را می‌طلبد .

منابع خبر: Rote Fahne ۲۶,۵,۹۰
Antifaschistische Nachrichten ۸,۶,۹۰

www.iran-archive.com

تجهیز قلعه ها (پیرامون یکی از سیاستهای دولتهای اروپائی)

اما جلوی این راههای نفوذی گرفته خواهد شد. هماهنگی حق پناهندگی و قانون ویزا در سطح اروپای غربی، آن لغت جادویی است که با آن وزرای داخلی و خارجی اروپای متمول — می‌خواهند مهاجرت خلقها از جنوب و شرق را به "El Dorado" ی جدید (۱) متوقف کنند.

نقطه شروع یک سیاست واحد در قبال خارجی‌ها اول ژانویه ۱۹۹۳ می‌باشد که در طی آن مرزهای داخلی دوازده کشور اروپایی می‌بایستی از بین برود.

به موازات آن مرزهای خارجی سراسر اروپای غربی تجهیز و تقویت خواهند شد.

اگر خارجی‌ها در آینده خواهان ورود به کشورهای تا آن روز مهماندوست چون دانمارک و یا یونان و کشورهای سختگیر چون انگلستان، فرانسه و یا آلمان غربی باشند، در همه جا بر اساس یک قانون واحد رد و یا پذیرفته خواهند شد.

((در این رابطه)) یک لیست به اصطلاح منفی ((سیاه)) از کشورهایی که شهروندان ناگزیر به اخذ ویزا هستند، به عنوان راهنما به کار خواهد رفت. زیرا که در کنار مهاجرین سنتی از سری لانکا، پاکستان یا ترکیه اخیرا صدها هزار نفر از شمال آفریقا به "اروپای وفور نعمت" وارد می‌شوند. علاوه بر این امسال روی مهاجرت بیش از یک میلیون لهستانی، رومانیایی، مجار، آلمان شرقی و مهاجر آلمانی الاصل حساب می‌شود.

آنها رقم هشت میلیونی مهاجرین در کشورهای بازار مشترک را که مجموعا" بیش از ۳۲۰ میلیون جمعیت دارند، روز به روز بزرگتر می‌کنند.

هنوز یکسان کردن رفتارهای متفاوتی که از تاریخ استعماری نشات گرفته‌اند، مانند برخورد با پاکستانی‌ها در انگلستان یا الجزایری‌ها در فرانسه برای وزراء مشکل است.

همچنین معیار پذیرش پناهجویان از سرزمینی به سرزمین دیگر متفاوت می‌باشد.

بدین جهت کمیته "TREVI" (۲) تشکیل شد، تا امنیت داخلی در سطح بازار مشترک را تامین کند.

نتیجه مقدماتی این کمیته، برنامه ریزی رد و بدل کردن اطلاعات در سطح بازار مشترک در مورد مشخصات شخصی متقاضیان میباشد.

در آینده نیز شعار" درهای بسته" برای همه دیدارکنندگان ((مهاجرین)) به یکسان معتبر نخواهد بود.

روحیه سفید اروپایی منطقه به آنجا رهنمون می‌شود که اروپایی‌ها برتر شمرده می‌شوند، در این میان وزرا آماده‌اند که برای کشورهای اروپای شرقی و مرکزی ویزا را لغو کنند. بزرگترین مشکلی که در این راه وجود دارد از طرف لهستانی‌ها ی خواستار مهاجرت می‌باشد که بیشترشان به عنوان توریست به بازار مشترک آمده و — همان جا می‌مانند. اما همچنین هفتصد هزار آلمانی الاصل، که در سالهای گذشته از اتحاد شوروی، لهستان، رومانی و جمهوری دمکراتیک آلمان آمدند، شدیدا" مسئله ساز هستند. استدلال فرانسه و کشورهای بلنوکس(۳) در این رابطه این است که مهاجرین آلمانی الاصل باعث می‌شوند که کارگران مهمان ترک و یوگسلاو در آلمان تحت فشار قرار گرفته و شانس خود را در کشورهای دیگر اروپای غربی آزمایش کنند.

خود امضای قرارداد شنگن که در آن کشورهای بنلوکس، — فرانسه و آلمان فدرال می‌خواستند از میان برداشتن کنترل‌های مرزی میان خود را پیشاپیش به اجرا در بیاورند، به خاطر عدم توافق در مورد آزادی مسافرت اتباع جمهوری دمکراتیک آلمان به تعویق افتاد. این مسئله امروز حل شده به نظر می‌رسد. قرار داد ((شنگن)) می‌بایستی حداکثر در ژوئن امضاء شود.(۴)

برای بستن هر چه سادتر دروازه‌های بازار مشترک، وزرای کشورهای عضو به تردستی با مصوبات مربوط به حقوق ملتها، سیاست پناهندگی و صدور ویزا، مشغولند. زیرا این مصوبات((برای وزیران)) دارای این مزیت هستند که نیازی به موافقت پارلمان اروپا ندارند. یک مصوبه مربوط به حقوق ملتها قانون بازار مشترک نیست و همچنین کشورهای دیگر، چون سویس و اتریش می‌توانند آن را به اجرا در بیاورند. ((این مصوبه)) می‌تواند با یک اکثریت ساده پارلمان ملی تصویب شود.

یادداشتهای ماهنامه پویش

---

(۱) El Dorado منطقه‌ای است در آمریکای جنوبی که

بقیه در صفحه ۱۷

www.iran-archive.com

مصاحبه با تشکل ها، جریانات و نیروهای مترقی و پیشرو (٤)

مصاحبه با کمیته ضد نژاد پرستی

مصاحبه‌ای را که در زیر می‌خوانید، چهارمین مصاحبه از سلسله مصاحبه‌هایی است که کمیتهٔ همبستگی با مبارزات مردم ایران با نیروها و تشکلهای مختلف به عمل آورده است. کلمات داخل پرانتز برای سهولت درک مطلب اضافه شده است.

سؤال ــ کمیتهٔ ضد نژاد پرستی در چه زمانی و با چه انگیزه‌ای تشکیل شد؟

جواب ــ در اواخر ۱۹۸۸ بدلیل حملات فاشیستها (اسکینز) به جوانان ترک در مرکز شهر هانوفر، تعداد زیادی از تشکلهای آلمانی و خارجی این کمیته را تشکیل دادند.

سؤال ــ ممکن است بطور خلاصه اهدافتان را توضیح دهید؟

جواب ــ هدف ما این است که مشترکاً با سایر سازمانها برای حقوق برابر به لحاظ سیاسی ــ اجتماعی و فرهنگی جهت همزیستی آلمانیها و خارجیها گام برداریم.

سؤال ــ افراد فعال در کمیتهٔ شما از چه ملیتهایی می‌باشند؟

جواب ــ ما کرد، ترک، ایتالیایی، هلندی، ایرانی، عراقی، اریتره‌ای و آلمانی می‌باشیم.

سؤال ــ شما محلی به نام "مرکز ضد تبعیض" (Antidiskriminierungszent.) سازماندهی کرده‌اید. لطفاً این مرکز را معرفی کنید و توضیح دهید که سازماندهی یک چنین مرکزی با چه اهدافی و در چه تاریخی صورت گرفته است.

جواب ــ این مرکز در ماه مارس ۱۹۹۰ در هانوفر تأسیس شده است. مرکز ضد تبعیض می‌بایستی محل رجوعی برای همهٔ پناهندگان و مهاجرین، مستقل از ملیتشان باشد، که به لحاظ ملی، فرهنگی و مذهبی مورد تبعیض قرار می‌گیرند.

وظایف دیگر عبارتند از:

ــ مشاورهٔ عمومی در موارد تبعیضات نژادی.

ــ جمع‌آوری و پیگیری موارد تبعیضات اجتماعی و حملات نژاد پرستانه به انسانهای با ملیت بیگانه.

ــ همکاری مشخص با همهٔ گروههای داخل و خارجی که همان اهداف ما را دنبال می‌کنند. همچنین ساخت یک شبکهٔ اطلاعاتی مؤثر برای سازماندهی کمک به خود مهاجرین جهت ثبت و تأثیرگذاری روی همهٔ موارد تبعیضات پیش‌آمده.

ــ (ارتقاء) حساسیت جامعه برای مسائل اجتماعی و پیوند یافتن خارجیها، (و نیز) نژاد پرستی در اشکال فردی و قانونی‌اش، کار در افکار عمومی و مشاوره با ادارات، مراکز اجتماعی و رسانه‌ها.

سؤال ــ آدرس این مرکز و ساعات کار آن چیست؟

جواب ــ آدرس ما این است:

Antidiskriminierungszentrum in Hannover
Goethestraße 23
3000 Hannover 1

ساعات کار ما روزهای دوشنبه، سه‌شنبه، پنجشنبه و جمعه از ساعت ۱٤ تا ۱۷ میباشد.

سؤال ــ مرکز ثقل اصلی کار کنونی شما چیست؟

جواب ــ مرکز ثقل اصلی کار ما در مرکز ضد تبعیض میباشد.

سؤال ــ چه ارتباط‌ها و همکاریهایی با سایر تشکلها و گروهها دارید؟

جواب ــ همکاریهای ما با سایرین در واقع به شکل

www.iran-archive.com

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

معضل رژیم در رویارویی با مسائل و اعتراضات کارگری و توده‌ای

در شماره‌های ۵ و ۶ پویش از دیدارهای سردمداران رژیم با نیروهای سرکوب دولتی و تحرکاتی که از جانب آنان به منظور مقابله با اعتراضات توده‌ای و ایجاد آمادگی بیشتر نیروهای سرکوبگر در مقابل گسترش حرکات اعتراضی صورت گرفته ، اخباری به چاپ رساندیم .

یکی دیگر از تحرکات اخیر رژیم نیز تشکیل سمینار مسئولین امنیتی ـ سیاسی استانداریهای کشور در روزهای ۲۵ ، ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت (۱۷ ـ ۱۵ مه) بود .

به گزارش کیهان دولتی ، مورخ ۲۵ اردیبهشت یکی از مباحث مورد بررسی در سمینار مزبور " مسائل و مشکلات کارگری ، اعتراضات و نحوه برخورد به آنها " بوده است .

بنا به گزارش کیهان در جلسه مورخ ۲۵ اردیبهشت سمینار معاونین امنیتی ـ سیاسی استانداریهای کشور حجت الاسلام عبدالله نوری ـ وزیر کشور ـ از جمله درباره " برخی معضلات و مشکلاتی که منجر به درگیریهای دسته جمعی می‌شود " و همچنین " مسایل کارگری " صحبت نموده است .

اگرچه سران رژیم طبق معمول اینگونه مذاکرات را در پشت درهای بسته و بطور کاملا محرمانه‌ای انجام می‌دهند و بنابراین از چند و چون تصمیمات متخذه در اینگونه جلسات و سمینارها نمی‌تواند اخبار درستی در دسترس باشد ، اما با اینحال مجموعه تحرکات و تک و تاب های اخیر رژیم و از جمله مباحث مطرح شده در سمینار فوق الذکر گواه آنند که موضوع مبارزات کارگری و اعتراضات توده‌ای اخیر در ایران که بخصوص با تظاهرات بزرگ توده‌ای ۲۷ بهمن آغاز شده ، خواب از چشمان بالایی‌ها ربوده و چگونگی مقابله ، فرونشاندن و سرکوب این مبارزات به یکی از مشغله‌های اصلی و مهم جنایتکاران امنیتی و سایر ارگانهای سرکوب رژیم تبدیل شده است .

درج این خبر در میان هیولای سانسور در ایران نشانگر وجود فضای مبارزاتی در ایران است که حتی تیغ سانسور رژیم نیز در مقابل مادیت آن و جهت لاپوشانی آن کند شده است .

✪✪✪

اسباب خنده شدن از فرط عوامفریبی

گاهی اوقات مسئولین جمهوری اسلامی از فرط عوامفریبی قافیه را می‌بازند و مضحک از آب در می‌آیند.

یکی از این موارد نیز پیشنهاد علیرضا محجوب دبیرکل ارگان ضد کارگری " خانه کارگر " مبنی بر تشکیل صندوق اعتصاب برای تقویت اعتصابات "کارگران فلسطینی و سایر کارگران مسلمان " به منظور " سقوط رژیم های جبار " است .

در کشوری که هر گونه اعتصابی به خون کشیده می‌شود و هر اعتراضی با گلوله و زندان پاسخ می‌گیرد پیشنهاد تشکیل صندوق اعتصاب برای " کشورهای مسلمان " دیگر (از جانب رئیس ارگانی که همواره دست در دست دولت برای سرکوب و منحرف ساختن مبارزات کارگری آماده است) مضحک و موجب انبساط خاطر است .

✪✪✪

حمایت جمهوری اسلامی از خان ها

حمایت ارگانهای جمهوری اسلامی از خان ها و دستگیری ، ضرب و شتم و بیرون راندن روستائیان از

∞

www.iran-archive.com

زمین هایشان امری است که مکررا" اتفاق می‌افتد و گه گاه حتی اخبار مربوط به آن در روزنامه‌های دولتی نیز منعکس می‌گردد.

در همین راستا کیهان دولتی مورخ ۲۴ اردیبهشت ۶۹ (۱۴ مه ۹۰) گزارش می‌دهد که یکی از خانهای منطقه زنجان به نام" شاهپور خان فاتح" به منطقه بازگشته و بابند وبست با مراجع قضایی علیه کشاورزان روستای" غلام چم" اقامه دعوی نموده و خواستار تخلیه زمینها توسط روستائیان می‌شود.

سرانجام در سال ۶۷ دادگاه حقوقی شهرستان زنجان نیز حکم تخلیه زمینهای روستائیان را صادر می‌نماید.

اما قضیه به همین جا ختم نمی‌شود و خان زنجانی با کمك ژاندارمری و دادیار دادگاه رژیم موفق می‌شود کشاورزان معترض به این حکم را از روستا بیرون نموده و یا روانه زندان سازد.

در ادامه گزارش کیهان چنین می‌خوانیم: "صدور این حکم به نفع شاهپور خان فاتح فرصتی شد که این بار همچون گذشته با همکاری و همراهی پاسگاه ژاندارمری منطقه و عواملش، کشاورزان معترض را از روستا بیرون کند. نکته قابل توجه اینکه هم اکنون ۱۱ نفر از کشاورزان که نسبت به صدور این حکم معترض بودند به دستور دادیار دادگاه دستگیر و روانه زندان شده اند".

✪✪✪

کمبود امکانات تحصیلی و ورزشی مدارس از زبان مسئولان رژیم.

کیهان دولتی مورخ ۲۵ اردیبهشت (۱۵ مه) از عباس گائینی معاون تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش چنین نقل می‌کند که برای کلیه هزینه‌های دانش‌آموزان سراسر کشور در سال جاری تنها ۳۰۰ میلیون تومان بودجه اختصاص یافته و این مبلغ نمی‌تواند پاسخگوی رفع نیازهای مدارس باشد.

گائینی همچنین اظهار داشته که در حال حاضر برای هر ۱۱۴۰ دانش‌آموز تنها یك معلم ورزش وجود دارد در حالیکه خود وی به نقل از "کارشناسان تربیت بدنی" متذکر می‌شود که بایستی برای هر ۳۶۰ دانش‌آموز یك معلم ورزش وجود داشته باشد.

گائینی در ادامه افزود: ورزش مدارس کشور برای آنکه از رونق لازم برخوردار باشد، نیاز به ۳ میلیون توپ در سال دارد. که از این تعداد تنها ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار توپ تأمین می‌شود.

✪✪✪

کشف اجساد ۱۵ تن از تیرباران شدگان اخیر در اطراف خاوران

* در اوایل اسفند ماه گروهی از مامورین شهرداری جهت ایجاد فضای سبز در اطراف گورستان خاوران با گریدر - بولدوزر دامپر و بیل و کلنگ مشغول زیر سازی بوده‌اند که یکی از رانندگان بولدوزر در حین خاکبرداری و تسطیح زمین با جسد عده‌ای که به تازگی دفن شده بودند مواجه میشود. بلافاصله سایر کارگران شهرداری نیز از قضیه مطلع شده گنجگاوانه پس از خاکبرداری بیشتر، اجساد حدود ۱۵ نفر را که اثر گلوله بر بدن و سرشان نیز مشاهده میشد از یك گور دسته‌جمعی بیرون میکشند. خبر بسرعت در میان عده‌ای از مردم منطقه انتشار یافته و تاثر بسیاری را برمیانگیزاند. ماموران کمیته و سپاه نیز بلافاصله منطقه را به محاصره درآورده و یکی از افرادی را که در حال عکسبرداری از اجساد تیر باران شدگان بوده دستگیر نموده و سریعا به از بین بردن آثار جنایت مبهر - دازند. در همین رابطه ۱۷ تن از کارگران شهرداری شامل راننده لودر، بلدوزر، دامپر و عده‌ای از کارگران که شاهد ماجرا بودند توسط پلیس بازداشت

میشوند ، هنوز از سرنوشت کارگران شهرداری دستگیر شده خبری در دست نیست . ضمنا گفته میشود که اجساد تیرباران شدگان مربوط به دستگیر شدگان شورش روز جمعه ۲۷ بهمن ماه بوده است.

گسترش اعتراضات در مدارس تهران

مدارس تهران از نیمه دوم بهمن ماه تا نیمه اول اسفند ماه (نیمه اول فوریه تا اوایل مارس) شاهد مبارزات، تظاهرات و اعتصابات نسبتا وسیعی بوده است.

به موازات گسترش این مبارزات و حرکات اعتراضی ، اوضاع مدارس در تهران و برخی شهرهای بزرگ ایران بشدت تحت کنترل پلیسی در آمده است.

رژیم پس از ۲۲ بهمن ۶۸ با مشکلاتی در مدارس روبرو گردید . در اکثر مدارس یا دانش‌آموزان زیر بار شرکت در انجام مراسم ۲۲ بهمن نمی رفتند یا مبارزه منفی می‌کردند . بطوریکه هر جا عکس و پوستر تبلیغاتی از طرف مربیان تربیتی بر در و دیوار زده می‌شد بوسیله دانش‌آموزان پاره می‌گردید . این امر سبب شد که رژیم این مسئله را بهانه قرار داده و پای پاسداران کمیته و سپاه را به مدرسه باز کند . بصوری که در بعضی از مدارس پاسداران با لباس شخصی در دبیرستان رفت و آمد می‌کنند و بشدت دانش‌آموزان را تحت مراقبت قرار می‌دهند .

با همه این احوال دانش‌آموزان نه تنها تحت تاثیر قرار نگرفته و مرعوب نشده‌اند بلکه هر روز با شدت بیشتری مبادرت به اعتراض علیه مسئولین مدرسه می‌کنند .

منبع خبر: ماهنامه راه کارگر — اردیبهشت ۶۹

✪✪✪

اعلام بن کارگری سال ۶۷ در خرداد ۶۹!

کیهان

چهارشنبه ۲ خرداد ۱۳۶۹
۲۷ شوال ۱۴۱۰
۲۳ مه ۱۹۹۰ — شماره ۱۳۹۰۹

شماره بن ویژه سهمیه برنج کارگری اعلام شد

سرویس اقتصادی —
بن شماره ۹ شش ماهه دوم سال ۶۷ کارگری جهت تحویل مقدار ۵ کیلو گرم برنج داخلی در نظر گرفته شد .
به گزارش روابط عمومی وزارت کار و امور اجتماعی ،
کلیه کارگران شاغل مشمول قانون کار می‌توانند ضمن مراجعه تدریجی به تعاونیهای مربوطه نسبت به دریافت سهمیه برنج خود بدون پرداخت وجهی اقدام نمایند.

همانطور که ملاحظه می‌کنید رژیم جمهوری اسلامی بن کارگری سال ۶۷ را تازه در خرداد ۶۹ یعنی دو سال دیرتر اعلام می‌کند .

خبر چنان گویاست که نیازی به توضیح اضافه ندارد .

گزارش تکان دهنده ای از سرکوب کودکان فلسطینی در اسرائیل

اخیرا انجمنی به نام " انجمن نجات کودکان " در سوئد گزارشی در مورد سرکوب و کشتار کودکان فلسطینی در اسرائیل منتشر نموده است .

این گزارش هزار صفحه‌ای محصول دو سال مطالعه ۲۰ محقق ، از جمله ۱۰ محقق فلسطینی است و انجمن نجات کودکان تامین هزینه‌های مالی این تحقیقات را به عهده داشته است .

براساس گزارش مذکور ، در طول برآمد توده‌ای — فلسطینی‌ها در اسرائیل ، ۱۵۹ کودک فلسطینی زیر ۱۶ سال توسط سربازان اسرائیلی و یا باند های سیاه ساکن شهرکهای یهودی نشین کشته شده‌اند که از این تعداد ، ۷۹ کودک زیر ۱۲ سال بوده‌اند . از این ۱۵۹ کودک ، ۹۴ درصد توسط سربازان — اسرائیلی به قتل رسیده‌اند .

به گفته شاهدان عینی و نیز پزشکان فلسطینی ، ۳۹ درصد کودکان در زمان جراحت به علت عدم — حضور به موقع در بیمارستان درگذشته‌اند و سربازان اسرائیلی مانع رسیدن به موقع آنها به بیمارستان شده‌اند .

در این گزارش همچنین آمده است که بسیاری از سربازان اسرائیلی جان کودکان فلسطینی را بی اهمیت تلقی می‌کنند .

به علاوه تنها ۳ درصد از نظامیان مسئول کشتار کودکان ، محاکمه و بازجویی شده‌اند . و این تعداد نیز تنها به مجازات های سمبلیک محکوم شده‌اند و نه مجازات های واقعی .

گزارش همچنین در مورد تاثیر زیان بار اقدامات مربوط به مجازات دستجمعی ، نظیر برقراری مقررات رفت و آمد به مدت طولانی و نیز نابودی و انهدام —

www.iran-archive.com

خانه‌ها و بستن مدارس هشدار داده است.
تعطیل مدارس باعث شده که ۳۰۰ هزار کودک فلسطینی طی برآمد توده‌ای فلسطینی‌ها از آموزش محروم شوند و این امر طبعاً" اثرات زیان باری بر کودکان فلسطینی برجای می‌گذارد.

منبع خبر ـ کیهان دولتی
۲۷ اردیبهشت ۶۹

پایان اعتصاب ۴۰۰ هزار نفری در نیکاراگوئه

کارگران اعتصابی نیکاراگوئه پس از چندین دور مذاکره با نمایندگان دولت چامورو، و رسیدن به توافقاتی با دولت، به اعتصاب ۵ روزه خود پایان دادند.

این اعتصاب بیشتر صنایع، شرکت مخابرات، سازمان آب، وزارت نیرو، بانکها، فرودگاه بین المللی و مدارس پایتخت را در بر گرفته بود و عملاً" دولت چامورو را در یک وضعیت بحرانی قرار داده بود.

مقامهای اتحادیه کارگری برآورد کرده‌اند که نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر در این اعتصاب شرکت نموده‌اند، که این رقم با توجه به جمعیت ۲ میلیونی نیکاراگوئه رقم بسیار چشمگیری محسوب می‌شود.

سرانجام اعتصابیون در مذاکره با دولت به توافقاتی دست یافتند و به این اعتصاب گسترده ـ پایان دادند.

کارگران اعتصابی ناگزیر از خواست ۲۰۰ درصد افزایش دستمزد عقب نشسته و پیشنهاد دولت مبنی بر ۱۰۰ درصد اضافه حقوق را پذیرفتند. در عین حال دولت تعهد کرده است که کارگران اعتصابی را از کار اخراج نکند و قانون خدمات مدنی را اصلاح نماید.

یادآوری می‌شود که دولت چامورو در ۲۵ آوریل گذشته قانون خدمات مدنی را که امنیت شغلی را تضمین می‌کرد، لغو نموده بود و اینک در مقابل اعتراضات و اعتصابات کارگری ناگزیر به عقب نشینی شده و قول اصلاح این قانون را داده است.

منبع خبر ـ کیهان دولتی
۲۷ اردیبهشت ۶۹ (۱۷ مه ۹۰)

افزایش چشمگیر اجاره‌ها در آلمان غربی

اخیرا به مناسبت نودمین سال تاسیس "اتحاد اجاره نشینان آلمان"، جدیدترین ارقام در مورد افزایش اجاره خانه‌ها منتشر شد.

براساس این ارقام، در سال گذشته اجاره خانه‌های آلمان غربی هنگام عقد قراردادهای جدید، به طور متوسط ۹۹ درصد افزایش یافته است.
در بعضی از شهرها افزایش اجاره خانه‌ها بالغ بر ۳۰ درصد شده است و در شهرهای جنوبی آلمان در سالهای گذشته، قراردادهای جدید ۱۰۷ درصد افزایش اجاره را نسبت به قراردادهای قدیم به همراه داشته‌اند.

کشتار کودکان در لبنان

براساس تخمین UNICEF ـ سازمان حمایت از کودکان سازمان ملل ـ در طول ۱۵ سال جنگ داخلی در لبنان ۴۰ هزار کودک کشته شده‌اند.

لازم به ذکر است که این رقم تنها تلفات کودکان کشته شده در این درگیریهای مسلحانه را در بر می‌گیرد و رقم مجموع کشته شدگان و مجروحان جنگ داخلی لبنان به مراتب بیش از این است.

✪✪✪

www.iran-archive.com

اعتصاب غذای شش ماهه ۴۰ زندانی سیاسی در اسپانیا

حدود ۴۰ زندانی سیاسی در اسپانیا از ۳۰ نوامبر ســـال گذشته در اعتصاب غذا به سر می‌برند.

این زندانیان در مخالفت با حبس انفرادی و با خواست حبس جمعی زندانیان دست به اعتصاب غذا زده‌اند، و اکنون پس از ۶ ـ ماه اعتصاب غذا، از نظر جسمی کاملا" ضعیف شده‌اند. دولـــت اسپانیا از یک سو به خواسته‌های آنها ترتیب اثر نمی‌دهد و ازسوی دیگر برای جلوگیری از گسترش اعتراضات عمومی، از مرگ زندانیـــان جلوگیری نموده و با تزریق اجباری دارو به زندانیان، آنهـــا را در حالت بین مرگ و زندگی نگه داشته است.

ماندن در این حالت ما بین مرگ و زندگی (کومـا) صدمـات غیر قابل جبرانی به سلامتی زندانیان وارد می‌سازد و هم اکنـــون تعدادی از آنها فلج و یا کور شده‌اند.

بدین ترتیب معنای واقعی این رفتار دولت اسپانیا با زندانیان شکنجه و مرگ تدریجی آنهاست.

در این میان نکته قابل توجه این است که اکثریت قریب بـــه اتفاق رسانه‌های غرب در مورد این اعتصاب غذا سکوت کرده‌انـــد و این سکوت، دست دولت اسپانیا را در اعمال فشار بر زندانیـــان و ترتیب اثر ندادن به خواسته‌هایشان، باز گذاشته است.

یادآوری می‌شود که حبس انفرادی زندانیان سیاسی که بـــه گونه‌ای سیستماتیک در آلمان غربی نیز به کار گرفته می‌شود عـــوارض جبران ناپذیری بر قوای روحی و جسمی زندانیان دارد و تاکنـــون در کشورهای اروپایی اعتراضات وسیعی به منظور الغاء حبـــس انفرادی صورت گرفته است. شدت این اعتراضات از یکسو واثرات زیان بار حبس انفرادی از سوی دیگر، به حدی است که حتـــی در کنوانسیون‌های ژنو نیز حبس انفرادی به منزله نوعی از شکنجه معرفی شده و محکوم گردیده است.

منبع خبر: Rote Fahne ۲۶/۵/۹۰

●

آلمان غربی

سود های افسانه‌ای کنسرن‌ها و بانک های آلمان غربی

براساس گزارشی که اخیرا" بانک مرکزی آلمان (Bundesbank) منتشر کرده، کنسرن‌های صنعتی آلمان غربی در سالهای دهه ۸۰ سود هایی افسانه‌ای به جیب زده‌اند.

در این گزارش آمده که سود های کنسرن‌ها در مشاغل تولیدی نسبت به سال ۱۹۸۰ یعنی تنها در عرض ۱۰ سال سه برابر شده است.

از سوی دیگر، بر مبنای این گزارش شهروندان آلمانی بیش از گذشته به بانکها مقروض شده‌اند.

براساس محاسبات بانک مرکزی آلمان، بدهیهای مردم آلمان در پایان سال ۱۹۸۹ به نسبت پایان سال ۱۹۸۸، ۹ درصد افزایش یافته و به رقم ۲۴۷/۲ میلیارد مارک رسیده بود.
به علاوه در پایان سال ۱۹۸۹ بهره بانک‌ها به رقم باور نکردنـــی ۲۰/۵ میلیارد مارک بالغ می‌شد.

✪✪✪✪

موارد اخراج مخالفین خط حاکم در اتحادیه‌ها

نشریه Rote Fahne مورخ ۲ ژوئن ۱۹۹۰ گزارش می‌دهد که اتحادیه فلز (IG ـ Metall) تصمیم گرفته است اعضای ۸۰ "شورای ـ کارخانه" اپل در بوخوم را از اتحادیه اخراج کند. زیرا اعضـــای این شوراها با سیاست راست روانه رهبران اتحادیه مخالفـــت کرده بودند.

امر مشابهی نیز بر علیه ۳۰ تن از فعالین اتحادیه شیمـــی (IG ـ Chemie) در منطقه Boehringer-Ingelheim در شرف وقوع است. سال گذشته در این منطقه، اتحادیه شیمی تمامـــی اعضای بدنه خود را به "جرم" مشابهی اخراج کرده بود.

اما کارگران اخراج شده از اتحادیه به مبارزه سیاسی خویـــش با رهبران اتحادیه ادامه دادند و تصمیم گرفتند همراه با بخشی از کارگرانی که هنوز عضو اتحادیه شیمی بودند، در انتخابـــات "شورای کارخانه" شرکت نموده و در مقابل لیست رسمی اتحادیه، لیست انتخاباتی مشترک و جداگانه‌ای بدهند. این لیست مشترک، با استقبال کارگران روبرو شد و حتی نزدیک بود اکثریت مطلق آراء را به دست بیاورد.

اینک رهبران اتحادیه شیمی تصمیم گرفته‌اند، تمامی اعضـــای اتحادیه را که حاضر شده بودند با اعضای اخراجی لیست مشترک بدهند، اخراج نمایند.

یادآوری می‌شود، رهبران اتحادیه‌های آلمان از مدتها پیش بـــه حربه ضد دمکراتیک اخراج مخالفین خود و بخصوص اخراج اعضایـــی که از گروههای چپ حمایت می‌کنند، متوسل شده‌اند و تاکنون بارها از این حربه استفاده نموده‌اند.

✪✪✪

www.iran-archive.com

دوین لایحه‌ای به منظور مجازات توهین کنندگان به گورباچف

چند روز پس از آنکه میخائیل گورباچف و همراهان وی توسط
ده‌ها هزار شرکت کننده در تظاهرات سنتی به مناسبت اول ماه مه
در میدان سرخ مسکو، مورد انتقاد شدید قرار گرفته و هو شدند
ناگزیر به ترک جایگاه سخنرانی گردیدند، لایحه‌ای به مجلس
شوروی ارائه گردید که در آن برای شهروندانی که به گورباچف
توهین کنند، مجازات‌های سنگینی پیش‌بینی شده است.

به گزارش رویتر در این لایحه که در تاریخ ۱۲ مه در پارلمان
شوروی مورد بحث قرار گرفته، برای افرادی که به گورباچف توهین
کنند، مجازات‌هایی تا ٦ سال زندان در نظر گرفته شده است.

اما خود گورباچف در اجتماع کارگران که در مسکو برپا شد و
تلویزیون این شهر شنبه ۲۲ ماه مه آن را به نمایش گذاشت،
تظاهرکنندگان اول ماه مه را "اراذل و اوباش" نامید و آشکارا
به آنان توهین نمود.

✪✪✪

قرارداد شنگن به امضاء رسید

قرارداد شنگن در ۱۹ ماه ژوئن ۹۰ بوسیله کشورهای آلمان،
فرانسه، هلند، بلژیک و لوگزامبورگ به امضاء رسید. این قرارداد
اولین قرارداد بین المللی برای ممانعت از ورود خارجیان و پناه-
هندگان است که بین این کشورها منعقد شده است.
برطبق این قرارداد، همکاری تنگاتنگی بین پلیس این کشورها
و همچنین هماهنگی بین این کشورها جهت صدور ویزای اجباری
برای اتباع حدود ۱۰۰ کشور غیر اروپایی و نیز عدم کنترل
پاسپورتها در مرزهای این کشورها صورت خواهد گرفت. ما
تلاش خواهیم کرد تا در شماره آینده ماهنامه پویش اطلاعات
بیشتری را در مورد این قرارداد، در اختیار خوانندگان عزیز
قرار دهیم.

✪✪✪

تیراندازی راسیستها به پناهندگان

روز دوشنبه ۱۴/٦/۹۰ (Pfingstmontag) چهار
نفر سوییسی در محل Porscharch در حالی که مست بودند،
از درون ماشین سان چند نفر پناهنده را با یک اسلحه ارتشی
مجهز به گلوله پلاستیکی مورد حمله قرار دادند. که در این حمله
حداقل یک پناهنده زخمی شده است.
از آنجا که پناهندگان مذکور موفق به برداشتن شماره ماشین
مهاجمین شده بودند، این افراد بعد از حدود یک ساعت
دستگیر می‌شوند. دولت سوئیس در مورد این حمله اخیر
راسیستها تا اکنون هیچ گونه اعلام موضعی نکرده است.
لازم به ذکر است که نمونه این گونه حمله‌ها و یا یورشها به
محلهای سکونت پناهندگان و همچنین مورد ضرب و ستم
قرار دادن آنها تا سرحد مرگ آنان، زیاد می‌باشند. همچنین
محدودیتهایی که توسط دولت سوئیس و توسط قانون خارجی ها
در آن کشور بعمل آمده است به شدت یابی این حملات کمک
می‌کنند.

پیام آشنا
سال سوم ـ شماره ۲٤
۹۰/٥/۱۷

پناهندهٔ بلوچ از درد بی پناهی درگذشت!

با کمال تاسف یکی از پناهندگان بلوچ را در غربت و آوارگی از دست دادیم. حبیبت قادری
از اولین پناهندگان سیاسی در پاکستان بود که بعد از ۳۰ خرداد ۱۳٦۰ که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی دست به
تشدید سرکوب انقلاب و انقلابیون زد و هر صدای آزادیخواهی را با گلوله و تازیانه و دار جواب میداد مجبور
شد بخاطر مسایل امنیتی ترک دیار کرده خودش را به پاکستان برساند. او موفق میشود در اولین ساعات ... پناهندگی بگیرد و همانند دیگر پناهندگان از حقوق پناهندگی استفاده کند. اما بعد از مدتی UNHCR کراچی با
اتخاذ سیاستهای ضد پناهندگی و ضد انسانی علیه پناهندگان بلوچ کارت وی را همانند دیگر دوستانش قطع
و او را با مادر خودش رها میکند. طی نامه هایی، از UN خواهان وصل مجدد کارت و دیگر مزایای پناهندگی اش میشود
اما متاسفانه ترتیب اثری داده نمیشود. موقعیکه UN از خود سلب مسئولیت میکند و تمام قبا و هیچ امیدی
برای آینده اش نداشت مجبور میشود با زن و بچه اش در نواحی مرزی بلوچستان زندگی کند. در آنجا بخاطر نزدیکی
به ایران و همچنین تردد عوامل رژیم اجباراً زندگی مخفی اختیار کرده تا اینکه مخاطر نبود حداقل امکانات زندگی
و بعد از مدتی به بیماری سرطان مبتلا میشود. و بخاطر وضعیت بد مالی نتوانست بموقع خودش را جهت درمان به
کراچی منتقل کند. مدتی میگذرد تا اینکه با کمک دوستانش به کراچی منتقل و در یکی از بیمارستانها بستری میشود
اما متاسفانه دیگر دیر شده بود و طبق تشخیص پزشک متخصص تا چند صباحی دیگر در قید حیات نمی ماند. در نهایت
اینکه چند روز بعد از انتقال وی به نواحی مرزی خبر شدیم که دوستمان درگذشته است.
خبر اسفناک مرگ دوست پناهنده مان در نواحی مرزی نتیجه سیاستهای بغایت ضد انسانی مدعیانی است
که ادعاهایشان حتی گوش فلک را هم کر کرده اما در عمل تنها چیزی که برایشان ارزش ندارد جان انسانهاست.
این باصطلاح مدعیان حقوق بشر!؟ بخوبی به پیامدهای چنین سیاستهایی واقفند و تا کنون در موارد متعددی
شاهد چنین فجایعی در نتیجه چنین سیاستهایی بوده‌اند. ما بارها در اعتراض نسبت بدین مسایل به UN کراچی
هشدار داده‌ایم اما مسایل با آرامش و جدان به فراموشی سپرده شده و کمتر گوش شنوایی در میان محافل و افکار
بین المللی یافته است. در این میان اما بدتر از همه اینکه دوستانمان در اروپا کمتر علاقه‌ای در جهت انعکاس
مشکلات و خواسته هایمان از خود نشان داده‌اند.

پناهندگـــان و آوارگـــان!
و همه جنبش پناهندگی و پناهندگان همانند هیولایی در برابر مان قد برافراشته و هر از چندگاهی قربانی
میگیرد. آری تعقیب و ترور، خودکشی و خودسوزی، رگ زنی و همچنین مرگ و میر افراد بر اثر مشکلات و تضییقات
عدیده در حاشیه پناهندگی و نبود چشم اندازی روشن، بسر بردن در یک بحران فکری و خلاصه هر آنچه یک پناهنده با
آن دست به گریبان است نتیجه سیاستهای غیراصولی UN بعنوان تنها مرجع قانونی و ذیصلاح میباشد. ما معتقدیم
تا مادامیکه UN کراچی به سیاستهای ضد پناهندگی خود ادامه بدهد وقوع چنین فجایع ناگواری امکان پذیر
میباشد و این واقعه طبعاً آخرین آن نخواهد بود. اما نبایستی یک لحظه در برابر این حوادث سکوت کرد. نبایستی
بی تفاوت از کنار رفقا یا گذشت زیرا سکوت در مقابل این وقایع دلخراش خود زمینه ساز فجایع ناگوار بعدی
میباشد. ما از افکار عمومی جهانیان و دوستانمان در اروپا میخواهیم تا با تلاشهای پیگیر و مستمر خویش مسایل
و مشکلات ما را در سطح وسیعی منعکس نمایند.
در پایان ما این واقعه دردناک را به خانواده او و جنبش پناهندگی تسلیت میگوئیم.
کمیته پناهندگان و آوارگان چپ ایرانی ـ کراچی ۱۹۹۰/٥/۳

مصاحبه با کمیته نژاد پرستی بقیه از صفحه ۲۱

بقیه از صفحه ۲۱

اتحاد عمل بر سر آکسیونهای مشخص میباشد.

سؤال ـ آیا شما پیش‌شرطی برای همکاری با سایر گروهها دارید؟

جواب ـ ما با همهٔ گروههایی که اهداف دمکراتیک ما و یا شبیه به آن را دارند، همکاری می‌کنیم.

سؤال ـ چه قوتها و ضعفهایی کار تا کنونی شما داشته است؟

جواب ـ قوت ما در کار تا کنونیمان ادامه دارش میباشد. غیر از این ما همهٔ مسائل و مشکلاتی را داریم که گروههای دیگر نیز دارند.

سؤال ـ آیا پیامی برای خوانندگان پویش دارید؟

جواب ـ از کار ما پشتیبانی کنید و در صورت رخ دادن تبعیضات نژادی به مرکز تبعیض مراجعه کنید.

پویش ـ خیلی متشکریم. □

بقیه از صفحه ۵

اینجا ردیفی بیشمار از قربانیان فاجعه دردناک زلزله آرمیده‌اند. و گورهای دسته جمعی انتظار آنان را می‌کشد. آنانی که عشق شان زندگی بود.

قربانیانی که می‌شد با **اقدامی** به موقع، جان بسیاری از آنها نجات یابد. این حقیقتی است که از زبان اکثر بازماندگان قربانیان به کرات بیان شده است. پیرمردی که ۴۰ ساعت پس از وقوع زلزله (زنده) به اتفاق همسر پسرش (مرده) از زیر آوار بیرون آورده شد، گفت: "عروس من تا همین یکساعت پیش زنده بود و اگر نیروهای کمکی زودتر می‌رسیدند او جزء قربانیان نمی‌بود." و یا مادر داغداری در درد و اندوه می‌گفت: "مجید جانم، مجید جانم وقتی که از زیر آوار بیرون آمد زنده بود، مجید جانم نفس می‌کشید. اگر دکتر بود، بیمارستان بود، دارو بود، مجید جانم نمی‌مرد."

با پوزش از خوانندگان عزیز این بار نیز ناچاریم مقاله "زن در بارگه الهی" را به دلیل تراکم مطالب به شماره آینده موکول کنیم.

آدرس تماس:

Post lagerkarte
Nr: 053249 C
3000 Hannover 1
W _ Germany

شماره حساب بانکی

Solidaritaetsverein
mit iranischen Voelkern
Stadtsparkasse Hannover
KTO: 501336
BLZ: 25050180
W _ G ermany

زندانی سیاسی آزاد باید گردد